

پایان تنش‌های بهار پذیران آخر الزمان
پایان تنش‌های بهار پذیران آخر الزمان
پایان تنش‌های بهار پذیران آخر الزمان

دعای عهدنامه

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مَنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ
الْحَرُورِ وَ مَنْزِلَ الْقُرْآنِ [الْفُرْقَانِ] الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ [و] الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِوَجْهِكَ [بِاسْمِكَ] الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مَلِكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ
السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ يَا حَيَّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيَّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا
حَيَّا جَبْنَ لَا حَيَّا يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لِلَّهِمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ
الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا
سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ غَنَى وَ عَنُ الْوَدَى مِنْ الصَّلَوَاتِ زَنَّهُ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ
[كِتَابُهُ] وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابَتُهُ [عِلْمُهُ] اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ
بَيْعَةً لَهُ فِي غُنْقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَغْوَانِهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ
فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ [و] الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِن
حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرِّرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّفِي
مُجَرَّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ نَاطِرِي
بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ اغْمِرْ
اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ
فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلَيْكَ وَ ابْنِ بَنِي نَبِيِّكَ الْمَسْمُومِ بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَطْفَرُ بِشَيْءٍ مِنْ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَّةً وَ يَحِقَّ
الْحَقُّ وَ يَحَقِّقَهُ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَقْفُوعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا غُطِّلَ مِنْ
أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَغْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ خَصَّنْتَهُ مِنْ
بِائِسِ الْمُتَعْتِدِينَ اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَ ارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا

بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِخُضُورِهِ وَ عَجَلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

« بیا بیا که سوختم زهجر روی ماه تو

تمام عمر دوختم دو چشم خود براه تو »

مصطفی سیرت، علی فر، فاطمه عصمت، حسن خو، حسین قدرت،

علی زهد و محمد علم مهر و شاه جعفر فیض و کاظم حلم و هشتم قبله گیسو،

هم تقی تقوا، نقی بخشایش و هم عسگری رو،

مهدی قائم "عج" که در وی جمیع اوصاف شهبان شد.

امام خمینی "ره"

السلام و عليك يا ابا الصالح المهدى ادركنى...

«من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ تر از این است. نمی توانم بگویم که شخص اول است، برای این که دوم در کار نیست، ایشان را نمی توانیم با هیچ تعبیری، تعبیر کنیم، الا همین که مهدی موعود "عجل الله تعالی فرجه الشریف" است.»

"الامام سيد روح الله الموسوي الخميني ره"

"معانی هرگز اندر حرف ناید"

که بحر بی کران در ظرف ناید"

❖ این تقریر در برگیرنده هشتاد وظیفه از وظایف شیعیان در عصر غیبت کبری مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء می باشد، که انشاءالله تعالی مورد رضایت حق تعالی و صاحب الامر "عج" قرار گیرد و از درگاه ایزد متعال مسئلت داریم که این تحفه بتواند در دستور العمل زندگانی تمام شیعیان علی الخصوص این دو بنده رو سیاه قرار گیرد.

تبصره: در ضمن سعی شده است تا حد ممکن بروایاتی استناد شود که واسطه کمتری از نظر تعداد راوی تا کلام معصومین "علیهم السلام" داشته باشد.

"برای فرج و سلامتی صاحب الزمانمان عج صلوات"

"آن زمان هستی حیات خواهد یافت"

مقدمه:

از عمق ناپیدای مظلومیت ما صدای آمدنت را وعده می داد، صدا را عدل خداوندی صلابت می بخشید و مهر ربانی گرما می داد. و ما هرچه استقامت از این صدا گرفتیم و هرچه تحمل از این نوا دریافتیم. در زیر سهمگین ترین پنجه های شکنجه تاب می آوردیم که شکنج زلف تو را می دیدیم. در کشاکش تازیانه ها و چکاک شمشیرها، برق نگاه تو تابان می داد و صدای گامهای آمدنت توانمان می بخشید، رایحه ات که مژده حضور تو را بر دوش می کشید، مرهمی بر زخمهای نو به نومان بود و جبر جانهای شکسته مان.

دردها، همه از آن رو تاب آوردنی بود، که تو آمدنی بودی. تحمل شدائد از آن رو شدنی بود، که ظهورت شدنی بود و به حق پیوستنی. انگار تخمه صبر بودیم که در خاک انتظار تاب می آوردیم، تا در هرم خورشید تو به پر و بال بنشینیم. سنگینی بار انتظار بر پشت ما، سنگینی یک سال و دو سال نیست، حتی از زمان تودیع یازدهمین خورشید نیست.

تاریخ انتظار و شکیبایی ما به آن ظلم که در عاشورا بر ما رفته است بر می گردد به آن تیرها که از کمان قساوت بر خاست و بر گلوی مظلومیت نشست، به آن سم اسب های کفر که ابدان مطهر توحید را مشبک کرد، به آن جنایتی که دست و پای مردانگی را برید. از آن زمان تا کنون ما به آب حیات انتظار زنده ایم، انتظار ظهور منتقم خون حسین.

تاریخ استقامت ما از آن زمان هم دورتر می رود، از عاشورا می گذرد و به بعثت پیامبر اکرم "ص" می رسد همو در مقابل همه جهل و ظلم و کفر و شرک و عناد و فساد که جهان آن زمان را پوشانده بود، وعده ای فرمود که کسی خواهد آمد، نامش نام من، کنیه اش کنیه من، لقبش لقب من، دوازدهمین وصی من خواهد بود و جهان را از توحید و عدل و داد و عشق پر خواهد فرمود. اما تاریخ صبر و انتظار ما به دورتر ها بر می گردد. به مظلومیت و

تنهایی عیسی، به غربت موسی، به استقامت نوح و از همه اینها گذر می کند تا به مظلومیت هابیل می رسد.
انتظار و بردباری ما را و سعتی ست از هابیل تاکنون و تا برخاستن فریاد جبرئیل در زمین و آسمان و آوردن
مژده ظهور امام زمان. آری... و در آن زمان هستی حیات خواهد یافت، عشق پروبال خواهد گشود و در رگ های
خشکیده علم، خون تازه خواهد دوید، پشت هیولای ظلم و جهل با خاک انس جاودان خواهد گرفت، شیطان
خلع سلاح خواهد شد، انسان بر مرکب رشد خواهد نشست و عروج را زمزمه خواهد کرد.

انشاءالله تعالی

"فهرست تکالیف عصر غیبت"

- اول: بدست آوردن شناخت صفات و آداب آن جناب..... ۱۲
- دوم: رعایت ادب نسبت به یاد امام "عج"..... ۱۴
- سوم: محبت امام عصر به طور خاص..... ۱۴
- چهارم: محبوب نمودن ایشان در میان مردم..... ۱۵
- پنجم: انتظار فرج و ظهور امام "عج"..... ۱۶
- ششم: اظهار اشتیاق به دیدار آن حضرت..... ۱۷
- هفتم: ذکر مناقب و فضایل آن حضرت "عج"..... ۱۸
- هشتم: اندوهگین بودن مومن از فراق آن حضرت "عج"..... ۱۹
- نهم: حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت "عج"..... ۱۹
- دهم: تشکیل مجالس ذکر و مناقب و فضایل آن حضرت "عج"..... ۲۰
- یازدهم و دوازدهم: سرودن و خواندن شعر در ذکر فضایل آن حضرت "عج"..... ۲۰
- سیزدهم: قیام هنگام شنیدن نام آن حضرت "عج"..... ۲۱
- چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم: گریستن و گریاندن و... بر فراق آن حضرت "عج"..... ۲۱
- هفدهم: درخواست معرفت امام عصر "عج" از خداوند..... ۲۲
- هجدهم: تداوم بر دعای به آن حضرت "عج"..... ۲۲

- نوزدهم: مداومت کردن بر خواندن دعا برای آن حضرت "عج" ۲۳
- بیستم: دعا در زمان غیبت آن حضرت "عج" ۲۴
- بیست و یکم: شناختن علائم ظهور آن حضرت "عج" ۲۴
- بیست و دوم: تسلیم بودن و عجله نکردن در امر فرج آن حضرت "عج" ۲۵
- بیست و سوم: صدقه دادن به نیابت از آن حضرت "عج" ۲۵
- بیست و چهارم: صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت "عج" ۲۶
- بیست و پنجم و بیست و ششم: حج رفتن به نیابت و فرستادن نایب از طرف آن حضرت "عج" ۲۶
- بیست و هفتم و بیست و هشتم: طواف بیت الحرام به نیابت و فرستادن نایب آن حضرت "عج" ۲۶
- بیست و نهم: زیارت مشاهد رسول اکرم "ص" و ائمه معصومین "ع" ۲۷
- سی ام: استحباب نیابت و زیارت از سوی آن حضرت "عج" ۲۸
- سی و یکم: سعی در خدمت کردن به آن حضرت "عج" ۲۸
- سی و دوم: اهتمام ورزیدن به یاری آن حضرت "عج" ۲۸
- سی و سوم: تصمیم قلبی بریاری آن حضرت "عج" ۲۹
- سی و چهارم: تجدید بیعت در فرائض و روزها و هر جمعه با آن حضرت "عج" ۲۹
- سی و پنجم: صلّه به وسیله مال با آن حضرت "عج" ۳۰
- سی و ششم: صلّه شیعیان و دوستان صالح ائمه "ع" به وسیله مال ۳۰
- سی و هفتم: خوشحال کردن مومنین ۳۱

- سی و هشتم: طلب خیر برای آن حضرت "عج" ۳۱
- سی و نهم: زیارت و سلام کردن در هر مکان با آن حضرت "عج" ۳۲
- چهل و یکم: دیدار مومنین صالح و شیعیان مخلص آن حضرت "عج" ۳۳
- چهل و یکم: درود فرستادن بر آن حضرت "عج" ۳۳
- چهل و دوم: هدیه ثواب نماز به آن حضرت "عج" ۳۴
- چهل و سوم: هدیه نماز مخصوص به آن حضرت "عج" ۳۵
- چهل و چهارم: هدیه نماز به آن حضرت "عج" ۳۵
- چهل و پنجم: اهداء قرائت قرآن به آن حضرت "عج" ۳۷
- چهل و ششم: توسل و طلب شفاعت از خداوند به وسیله آن حضرت "عج" ۳۸
- چهل و هفتم: عرضه کردن خواست ها و حاجات به آن حضرت "عج" ۳۸
- چهل و هشتم: دعوت مردم به آن حضرت "عج" ۳۹
- چهل و نهم: رعایت حقوق آن حضرت "عج" ۴۰
- پنجاهم: خشوع دل هنگام یاد آن حضرت "عج" ۴۰
- پنجاه و یکم: عالم باید عملش را آشکار کند ۴۱
- پنجاه و دوم: تقیه کردن از اشرار ۴۱
- پنجاه و سوم: صبر کردن بر اذیت و تکذیب ۴۱
- پنجاه و چهارم: درخواست صبر از خداوند عزوجل ۴۲

- پنجاه و پنجم: سفارش همراهان به صبر در زمان غیبت آن حضرت "عج" ۴۳
- پنجاه و ششم: عدم شرکت در مجالسی که نام آن حضرت "عج" را مسخره می کنند ۴۳
- پنجاه و هفتم: تظاهر کردن با ستمگران و اهل باطل ۴۴
- پنجاه و هشتم: ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت یافتن ۴۵
- پنجاه و نهم: تهذیب نفس ۴۶
- شصتم: اتفاق و اجتماعی بر نصرت آن حضرت "عج" ۴۶
- شصت و یکم: متفق شدن بر توبه واقعی و بازگردان حقوق به صاحبان آنها ۴۷
- شصت و دوم و شصت و سوم: پیوسته به یاد او بودن و به آدایش عمل کردن ۴۷
- شصت و چهارم: دعا برای جلوگیری از نسیان یاد آن حضرت "عج" ۴۸
- شصت و پنجم: خاشع بودن در هنگام یاد آن حضرت "عج" ۴۹
- شصت و ششم: مقدم داشتن خواسته آن حضرت "عج" بر خواسته خود ۵۰
- شصت و هفتم: احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت "عج" ۵۰
- شصت و هشتم: بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت "عج" زینت یافته اند ۵۱
- شصت و نهم و هفتادم: وقت ظهور را تعیین نکردن و وقت گذاران را تکذیب کردن ۵۲
- هفتاد و یکم: تکذیب کردن مدعیان نیابت خاصه در زمان غیبت کبری آن حضرت "عج" ۵۲
- هفتاد و دوم: درخواست دیدار آن حضرت "عج" ۵۳
- هفتاد و سوم: اقتدا کردن و تاسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت "عج" ۵۴

هفتاد و چهارم: حفظ زبان به غیر از یاد خدا..... ۵۴

هفتاد و پنجم: نماز آن حضرت "عج"..... ۵۵

هفتاد و ششم: گریستن در مصیبت مولایمان امام حسین "ع"..... ۵۶

هفتاد و هفتم: زیارت قبر مولایمان حضرت امام حسین "ع"..... ۵۷

هفتاد و هشتم: بسیار لعنت کردن بنی امیه در آشکار و پنهان..... ۵۸

هفتاد و نهم: اهتمام در ادای حقوق برادران دینی..... ۵۸

هشتادم: مهیا کردن سلاح و اسب در انتظار ظهور آن حضرت "عج"..... ۵۹

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که آن فرج شما است.»

"امام زمان عج"

منابع:

(۱) گنجینه گرانسنگ، کتاب "مکیال المکارم" (در معرفت و ولایت امام قائم علیه السلام)،

تالیف سید محمد تقی موسوی اصفهانی (رضوان الله تعالی علیه)؛

ترجمه از سید مهدی حائری قزوینی-ناشر: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

(۲) کتاب "نقطه عطف" اثر امام خمینی "رحمه الله علیه".

(۳) کتاب "دعای ندبه" (شامل ترجمه دعا به صورت اشعار توسط آقای اشعری).

(۴) کتاب "خدا کند تو بیائی" تالیف آقای سید مهدی شجاعی.

لازم به ذکر است تلاش بر این بوده است که تا حد امکان،

از ابیات متناسب با هر تکلیف استفاده شود.

از وظایف بندگان نسبت به آن حضرت "عج":

اول: بدست آوردن شناخت صفات و آداب و ویژگی های آن جناب و علائم حتمیه ظهور ایشان "عج الله تعالی فرجه الشریف" و این به دلیل عقل و نقل لازم می باشد.

و اما دلیل عقل: چون آن حضرت امامی است که اطاعتش فرض و واجب می باشد، و هرکس که اطاعتش واجب است، باید صفاتش را شناخت، تا با شخص دیگری که مقام او را به دروغ و ستم مدعی گردد اشتباه نشود، بنابراین شناخت و دانستن صفات مولایمان حضرت حجت "عج الله تعالی فرجه الشریف" واجب است.

و اما دلیل نقل: شیخ صدوق از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر "علیها سلام" روایت آورده که فرمود: هرکس در چهارچیز شک کند، به تمام آن چه خدای تبارک و تعالی نازل فرموده، کفر ورزیده است... یکی از آنها: شناختن امام در هر زمان، شناخت و صفات او می باشد.

و نیز موید آن است، آن چه در کتاب کمال الدین به سند خود از امام صادق "علیه السلام" از پدرانش، از امیر مومنان، علی "ع" روایت آورده، که در خطبه ای بر منبر مسجد کوفه فرمود: بار خدایا... به راستی که زمین تو را حجتی بر آفریدگانت باید، که آنها را به دین تو، هدایت کند، علم تو را به آنان بیاموزد، تا حجت از بین نرود و پیروان اولیائت، پس از آنکه به آن حجت هدایتشان فرمودی گمراه نشوند، و آن حجت یا آشکار است که فرمان برداری نشود، یا پنهان شده است که در انتظار (هنگام قیامت و تشکیل حکومت جهانی اسلام) به سر می برد، اگر شخص او در حالی که مردم هدایت شده باشند (از نظر آنها)، غایب شود، علم او از آنان غائب نمی گردد و آداب او در دلهای مومنین بر جای می ماند، پس آن ها آداب او را بکار می بندند. (کمال الدین؛ شیخ صدوق؛ جلد ۳۰۲/۱ باب ۲۶)

و نیز در کتاب اصول کافی به سند صحیحی از فضیل بن یسار رحمه الله آورده که گفت: شنیدم حضرت ابوجعفر "امام باقر علیه السلام" می فرمود: هرکس در حالی که امامی نداشته باشد بمیرد، مردنش مردن جاهلیت

است، و هر آن که در حال شناختن بمیرد، آن را زیان نرساند، که این امر (دولت آل محمد علیه السلام) پیشتر شود یا به تاخیر افتد و هرکس بمیرد، در حالی که امامش را شناخته همچون کسی است که در خیمه قائم "عج" با آن حضرت باشد. بدون تردید مقصود از شناختی که امامان ما، تحصیل آن را نسبت به امام زمانان امر فرموده اند، مقصود شناخت آن حضرت است. آن چنانکه هست، بگونه ای که سبب سالم ماندنمان از شبهه ها ی ملحدین گردد، و مایه نجاتمان از گمراه ساختن مفتریان گمراه شود و چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی گردد. (بدست آوردن این دو شناخت از اعم واجبات است)

یکی: شناختن شخص "امام علیه السلام" به نام و نسب

دوم: شناخت صفات و ویژگی های ایشان

آری... از عاشورای سال ۶۱ هجری قمری، دیگر زمان از عاشورا نگذشته است و همه ی روزها عاشورا است، زمان بر امتحان من و تو می گردد تا ببیند که چون صدای "هل من ناصر" امام عشق برخیزد چه می کنیم؟...

روایتی است در تفسیر المیزان از معاویه بن وهب از حضرت امام صادق علیه السلام که فرمود:

"به درستی که بهترین و واجب ترین فریضه ها بر انسان شناخت پروردگار است و اقرار به بندگی او، رمز شناخت آن است که خداوند را بشناسد. این که هیچ معبود حقی جز او نیست و هیچ گونه مثل و ماندنی ندارد و بداند که او قدیم پایدار موجود است، بودن فقدان موصوف است بی آنکه شبیه و نظیر و باطل کننده ای داشته باشد، هیچ چیز به مثل او نیست و اوست شنوای بینا. و پس از آن شناخت فرستاده خداست و گواهی دادن به پیغمبری او و کمترین مرتبه شناخت رسول: اقرار به پیغمبری اوست و این که آن چه از کتاب یا امر یا نهی آورده از خدای عزوجل می باشد و بعد از آن شناختن امامی است که به نعت و صفت و نامش در حال سختی و راحتی به او اقتدا می نمایی.

دوم: رعایت ادب نسبت به یاد او:

این که مومن آن حضرت "عج" را یاد نکند مگر (با القاب شریف و مبارک) آن جناب مانند حجت، قائم و مهدی و صاحب الامر و صاحب الزمان و غیر اینها و ترک تصریح به نام شریف اصلی آن حضرت که اسم رسول خدا "ص" می باشد "م ح م د" روایتی است که در مستدرک با سندی از خدیفه بن الیمان آمده که رسول خدا "ص" در خبر وصف حضرت مهدی "عج" فرمود:

"و اوست که به طور آشکارا پیش از قیامش نامش را نبرد مگر کافر به او".

(مشتربک وسائل، میرزا حسن نوری، ج ۲/۳۸۰)

در توقیع شریف آن حضرت "عج" است که: ملعون است کسی که در محفلی از مردم اسم مرا ببرد.

(در کتاب کمال الدین/شیخ صدوق)

ای جان جانان! عمری ز فراق تو، با زمزمه می نالم نادیده گل رویت، بر عشق تو می بالم

سوم: محبت به آن حضرت "عج" به طور خاص:

لازمه اش آن است که "نهایت اهتمام در آن چه مقتضای محبت نسبت به آن جناب است انجام شود"

لازم به ذکر است که در وجوب محبت تمام ائمه معصومین "علیه السلام" تردیدی نیست و این که دوستی ایشان بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است و در این باره اخبار متواتر می باشد که قسمتی از آن اشاره می گردد ولی در اهتمام به محبت ایشان خصوصیتی است که سبب شده است بطور خصوص به آن امر گردد.

آن چه در جلد نهم بحار به نقل از کتاب الفضائل آمده از امام رضا "علیه السلام" از پدرانیش از رسول خدا "ص" در حدیثی که در آن نام های امامان "علیهم السلام" را یاد کرده تا آن جا که فرمود:

... و هرکس دوست می دارد خداوند راملقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، (باید که در ولایت حجت صاحب الزمان "عج" را دارا گردد) پس اینان چراغهایی در تاریکی و امامان هدایت و نشانه های تقوی هستند، هرکس آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود من برای او ضمانت می کنم که خداوند او را خواهد برد به بهشت.

و در بحار از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

از آن جناب سوال شد، آیا قائم عج متولد شده؟ فرمود: نه و اگر زمانش را درک می کردم او را خدمت می نمودم در تمام عمر.

مگر تا کی در اوصافت بر آیم به چه راز و سخن مدحت نمایم

تو ای سالار و مولای زمانم مگر تا چند من حیران بمانم

چهارم: محبوب نمودن ایشان در میان مردم.

در روضه کافی به سند خود از حضرت امام صادق "علیه السلام" آورده که فرمود:

خداوند رحمت کند بنده ای را که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشمنی و کینه توزی آنان قرار ندهد. همانا به خدا سوگند اگر سخنان زیبای ما را برای مردم روایت می کردند به سبب آن عزیزتر می شدند، و هیچکس نمی توانست برآنان وصله ای بچسباند، ولی یکی از آنان کلمه ای را می شنود پس ده تا از پیش خود بر آن می افزاید.

(روضه فی الکافی، محمد بن یعقوب کلینی ج ۸/۲۲۹)

خدا با دست خود او را نگهدار ستم را سرنگون، حق را بیادار

زلطف بی کرانت ای خداوند به او دوران عمر ما بپیوندد

پنجم: انتظار فرج و ظهور آن حضرت "عجل الله تعالی"

سخن در این باره در چند بحث واقع می شود: مبحث اول: فضیلت انتظار و از حضرت امام ابوالحسن الرضا "علیه السلام" آمده که فرمود: چقدر خوب است صبر در انتظار فرج آیا نشنیده ای فرموده خدای عزوجل را که: وارتقبوا انی معکم رقیب.

و در انتظار باشید که من هم با شما منتظرم. (قرآن کریم/ سوره هود ۹۳)

فانتظروا انی معکم من المنتظرین.

پس انتظار بکشید که من با شما از منتظرانم. (قرآن کریم/ سوره انعام ۷۱)

بنابراین بر شما باد صبر، بدرستی که گشایش پس از ناامیدی می آید، البته آنان که پیش از شما بودند، صبورتر از شما بودند. (کمال الدین؛ شیخ صدوق، ج ۲/ ۶۴۵)

مبحث دوم: در وجوب انتظار حضرت قائم "عجل الله" بر همه افراد: در غیبت نعمانی بسند خود از ابوبصیر از امام صادق "علیه السلام" آورده که روزی آن حضرت فرمود: ... به درستی که ما را دولتی ست که خداوند هر وقت بخواهد آن را می آورد. آن گاه فرمود: هرکس دوست می دارد از جمله اصحاب قائم "عجل الله" باشد باید انتظار بکشد و با پرهیزگاری و اخلاق نیک رفتار نماید، در حالیکه منتظر باشد، پس اگر از دنیا رفت و قائم "عجل الله" قیام نمود، برای او پاداشی خواهد بود همانند پاداش کسی که امام قائم "عجل الله" را درک کرده، پس جدیت کنید و در انتظار بمانید، گوارایتان باد ای گروه مشمول رحمت الهی.

(غیبت نعمانی محمد بن ابراهیم نعمانی؛ ۱۰۶ باب المتحیص)

مهدی جان!

برگرد هنوز بی قرار هستی یک عده عجیب انتظار هستند

طفلان نجیب بیشه ها شیر شدند مردان غریب جبهه ها پیر شدند

یک عده به ذکر "ندبه" تطهیر شدند یک عده زدوریت زمین گیر شدند...

چه خوب است در این جا این سوال را مطرح نمایم که آیا در انتظار قصد قربت شرط است یا نه؟ در وسایل بسند خود از حضرت موسی بن جعفر از پدرانش "علیه السلام" از رسول خدا "صلی الله" ضمن حدیثی آمده است که فرمود: همانا اعمال بسته به نیت هاست و برای هرکس آن چه را نیت کرده خواهد بود، پس هر آن که به قصد آن چه نزد خداوند است در غزوه ای شرکت کند، البته پاداشش بر خدای عزوجل خواهد بود و هرکس به خاطر دنیا به نیت به دست آوردن غنیمتی به غزوه رود جز آن چیزی حاصلش نخواهد شد.

(وسائل الشیعه؛ شیخ حر عاملی؛ ج ۳۴/۱ باب ۵)

ششم: اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار

در بحار به نقل از کتاب فرار کبیر بسند خود از احمد بن ابراهیم روایت آورده که گفت:

"بر جناب ابوجعفر محمد بن عثمان اشتیاقم را به دیدار مولایمان "علیه السلام" بیان کردم، بمن فرمود: با وجود اشتیاق مایل هستی او را ببینی؟ گفتم: آری، فرمود: خداوند پاداش شوق تو را عنایت فرماید و دیدن رویش را به آسانی و عافیت به تو روزی دهد، ای ابو عبدالله التماس مکن که او را ببینی، زیرا که در ایام غیبت به او اشتیاق داری، و درخواست مکن که با او همنشین گردی، که این از عزائم الله است و تسلیم بودن به آن مهمتر است، ولی با زیارت بسوی او توجه کن..."

(بحار الانوار / ج ۱۰۲)

مولاجان!

تو که می دانی مرا بی تو دگر امید نیست
عهد عشقی در دلم جزء عهد تو جاوید نیست
تو که با من همصدایی با حضور رنگ عشق
می زنی هر شب برایم لحظه ای آهنگ عشق
تو بگو کوچ از دیار عاشقی تنها دواست؟!
کنون دل از تب عشق و جنون در دست ماست؟...

هفتم: ذکر مناقب و فضایل آن حضرت "عج"

در اصول کافی از امام صادق "علیه اسلام" روایت شده که فرمود:

همانا وظیفه جمعی از فرشتگان آسمان این است که نگاه می کنند بر یک و دو و سه نفری در حالیکه آنان
درباره ی فضیلت آل محمد "ص" به گفتگو نشسته اند، پس فرشته ای به فرشتگان دیگر می گوید: آیا نمی بینید
اینان را باهمه کمی تعدادشان و بسیاری دشمنانشان فضایل آل محمد "ص" را بیان می کنند! آن گاه گروهی
دیگر از فرشتگان می گویند:

"ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم"
(روضه کافی؛ ج ۸)

این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می دهد و خداوند دارای فضل عظیم است.

ماییم و فرصتی که به فردا نمی رسد
راهی به سمت مرگ و مسیحا نمی رسد
قیقاج چشمهای تو مارا شهید کرد
یعنی صدای عشق به آن جا نمی رسد
دیروز را به عشق تو امروز کرده ایم
ماییم و فرصتی که به فردا نمی رسد...

ای آقای من! محبوب من! بیا... بیا که دنیا در انتظار است...

هشتم: اندوهگین بودن مومن از فراق آن حضرت "عج الله تعالی"

این امر از نشانه های اهل ایمان است، و در اوج حسن و برتری می باشد. اخبار بسیاری است که از امامان معصوم "علیه السلام" روایت گردیده از جمله: در کافی از حضرت ابوعبدالله امام جعفر صادق "علیه السلام" روایت آمده که فرمود:

"شخص مهموم به خاطر ما که غم و اندوهش از جهت ظلمی ست که بر ما رفته است، نفس کشیدنش تسبیح گویی ست و هم او به خاطر امر ما عبادت است و پنهان داشتن همش سر ما جهاد در راه خداوند است."

(اصول کافی؛ کلینی، ج ۲)

ای تمام مستانی میخانه در چشمان تو سوختم، آتش گرفتم در تب هجران تو

نهم: حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت "عجل الله تعالی"

حضور یافتن اضافه بر این که لوازم و نشانه های محبت است و از مصادیق خیرات که مامور شده ایم به آنها سبقت جویم و پیشی گیریم که خدای تعالی فرموده: "فاستبقوا الخیرات" به سوی خیرات سبقت گیرید"، شاهدش تمامی روایاتی است که در مورد تشویق و ترغیب بر حضور و شرکت در مجالس ذکر رسیده است. مانند فرمایش پیغمبر اکرم حضرت محمد مصطفی "صلی الله علیه و آله وسلم":

"در باغهای بهشت بگردید." عرضه داشتند، ای رسول خدا باغهای بهشت چیست؟ فرمود: "مجالس ذکر..."

تو را گم می کنم هر روز و پیدا می کنم هرشب بدینسان خوابها را با تو زیبا می کنم هرشب

بتی این کاه را چون کوه سنگین می کند آنگاه چه آتشها که در این کوه برپا می کنم هرشب

تمام سایه ها را می کشم بر روزن مهتاب حضورم را ز چشم شهر حاشا می کنم هرشب

دهم: تشکیل مجالس ذکر مناقب و فضایل آن حضرت "عجل الله تعالی"

باید گفت برپا نمودن مجالسی که مولایمان صاحب الزمان "عج" در آنها یاد شود مهم است، زیرا که این کار ترویج دین خدا و برتری دادن کلمه الله و یاری نمودن بر نیکی و تقوی و تعظیم شعائر الهی و نصرت ولی الله است. در وسایل از امام صادق "ع" آمده که فرمودند: "یکدیگر را دیدار کنید که در دیدارتان زنده شدن دلهایتان و یادآوری احادیث ما هست و احادیث ما شما را نسبت به یکدیگر مهربان می سازند، که اگر آنها را بگیرید رستگار شده و نجات یافته اید و هرگاه آنها را ترک گوئید، گمراه شده و هلاک می گردید. پس به آنها عمل کنید که من نجات شما را ضمانت می کنم."

(وسائل الشیعه؛ ج ۱۱)

یا ابی‌صالح!

عشق در ذرات جان من تکاپو می کند علقه تو در دل مستم هیاو می کند

یازدهم و دوازدهم: سرودن و خواندن شعر در ذکر، فضائل و مناقب آن حضرت "عجل الله تعالی"

زیرا که این در عمل، نوعی از یاری کردن امام به شمار می آیند و دلیل بر این آن است که در کتاب وسائل در آخر کتاب المزار به طور مستند روایت گردیده که حضرت ابی عبدالله امام جعفر صادق "علیه السلام" فرمود:

"هرکس درباره ی ما یک بیت شعر بگوید، خداوند برای او خانه ای در بهشت خواهد ساخت. و در جای دیگر: هیچکس درباره ی ما شعری نگوید مگر این که به روح القدس تائید و یاری شده باشد." (وسائل الشیعه، ج ۱۰)

می شود ذرات جان را یک به یک از عشق شست؟!

می شود از مستی چشمان تو چیزی نگفت؟!

می شود با تو شبی را تا سحر نجوا نکرد؟!

می شود اسم تو را در شعرها پیدا نکرد؟!

سیزدهم: قیام، هنگام یادشدن نام یا القاب آن حضرت "عجل الله تعالی"

که این کار سیره و شیوه شیعیان دوازده امامی است و شاهد بر این اضافه بر احترام بودن این عمل که خود مطلوب است، روایتی ست که یکی از علمای اعلام در کتاب النجم الثاقب از سید عبدالله نواده سید نعمت الله جزائری آورده که در بعضی از روایات چنین یافته که: "روزی حضرت صاحب الزمان "عجل الله" در مجلس امام صادق "علیه السلام" یاد شد، پس امام صادق "علیه السلام" به خاطر تعظیم و احترام اسم آن حضرت بپا ایستاد." (بحار الانوار؛ علامه مجلسی؛ ج ۴۴/۲۷۸)

جانم فدای تو... ای والاترین آرزوی هر مشتاق... ای برترین تمنای هر مومن... ای زیباترین اجابت هر قنوت... ای عزیزدل... آقای من... محبوب من... تا کی در وجود تو حیران بمانم؟! با کدامین زبان تو را بخوانم؟!... با وسعت کدامین دل به تو عشق بورزم؟!... با دستان کدامین نجوا به شاخسار عنایت تو بیاویزم؟!... (بخشی از دعای ندبه)

چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم: گریستن و گریانیدن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن در فراق آن حضرت "عجل الله تعالی"

در جلد دهم بحار، از حضرت امام صادق "علیه السلام" آمده که فرمود:

"هرکس ما را یاد کند یا نزد او باشیم، پس از چشمش به اندازه بال پشه ای اشک بیرون آید، خداوند گناهانش را می آمرزد، هر چند که همچون کف دریا باشد." (بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۴/۲۷۸)

هر شبم تا صبح با عشق تو دمسازم عزیز تا سحر با عشق چشمان همرازم عزیز

و نیز در کتاب غیبت نعمانی از مفضل روایت آمده است که گفت: شنیدم شیخ یعنی امام صادق "علیه السلام" می فرمود: ما را تعییر یابید (دم برآرید) همانا به خدا سوگند مدتی از روزگارتان غایب خواهد گشت و یادش خاموش خواهد ماند تا اینکه گفته می شود "مرده، هلاک شده، به کدام وادی رفته و البته دیدگان مومنین بر او گریان خواهد شد." (غیبت نعمانی، ۷۷/۷)

... چه سخت است بر من که صدای های دیگران در دهلیزهای گوشم بیچد، اما از آوای دل انگیز تو محروم
بمانم! چه مشکل است که بینم آن چه دیگران را سزااست بر تو می گذرد...

آیا کسی هست که با من همناله شود؟!... آیا کسی هست که من اشکهایم را با گریه هایش پیوند بزنم؟!...

آیا کسی هست که من غریبانه سر بر شانه هایش گذارم و های های بگیریم؟!... (بخشی از دعای ندبه)

هفدهم: درخواست معرفت امام عصر "عج" از خداوند عزوجل.

زیرا که علم با آموزش و درس خواندن بسیار نیست، بلکه علم نوری است که خداوند در دل هرکس که بخواهد
هدایتش کند قرار می دهد، و هر که را خداوند هدایت کند هدایت یافته است. در کافی از ابوبصیر از حضرت امام
جعفر صادق "علیه السلام" آمده:

درباره خداوند عزوجل: "و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا"

(هرکس که حکمت به او داده شود، خیر بسیار به او داده شده) فرمود: یعنی طاعت خداوند و معرفت امام
زمان "عج" (اصول کافی جلد ۱/۱۸۵)

ای شاهد زیبا رو، شب تا سحر می ده در محو جمال تو، از خود بدر می ده

در حلقه مستانت، من نو سفرم می ده زین دایره مینا، خونین جگرم می ده

تا حل کنم این مشکل، در ساغر مینایی

هجدهم: تداوم بر دعای به آن "حضرت عجل الله تعالی"

مداومت کردن بر دعایی که ثقه الاسلام کلینی (اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۳۳۷/۱ باب الغیبه، ج ۵)
و شیخ نعمانی و شیخ طوسی به سندهای خود از زراره روایت کرده اند که گفت: شنیدم حضرت امام صادق
"علیه السلام" می فرمود:

برای آن جوان پیش از قیامش غیبتی خواهد بود، گفتم چرا؟ فرمود: می ترسد و به شکمش اشاره کرد، سپس فرمود: ای زراره و اوست منتظر و اوست که در ولادتش شک می کنند، پس بعضی می گویند: پدرش بدون بازمانده از دنیا رفت و بعضی از آن ها می گویند: دو سال پیش از فوت پدرش متولد شد و اوست منتظر مگر این که خداوند عزوجل دوست دارد که شیعه را امتحان کند، پس در آن هنگام است که تشکیک و توهم اهل باطل آغاز می شود. ای زراره اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان:

«اللهم عرفنی نفسک فإنک إن لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک،

اللهم عرفنی رسولک فإنک إن لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجتک،

اللهم عرفنی حجتک فإنک إن لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی»

ترجمه: بارخدايا، تو مرا به خود شناسا کن، که اگر خودت را به من شناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت، بار خدايا تو رسولت را به من بشناسان، که اگر رسول خود را به من شناسانی، حجتت را نخواهم شناخت، پروردگارا حجت خودت را به من بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی از دین گمراه خواهم شد.

"اللهم عجل لوليک الفرج"

نوزدهم: مداومت کردن بر خواندن دعا برای آن حضرت "عجل الله تعالی"

شیخ صدوق بسند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت ابوعبدالله امام جعفر صادق "علیه السلام" فرمود: "پس از این شبهه ای شما را خواهد رسید که بودن نشانه دیده شدنی و امام هدایت کننده ای خواهید ماند و از آن نجات نمی یابید مگر کسی که دعای غریق را بخواند" راوی گوید: عرضه داشتم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: چنین بگوید:

"یاالله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک"

ای خداوند، ای رحمان، ای مهربان، ای دگرگون کننده دلها، دل مرا بر دینت پایدار کن.

راوی می گوید، من گفتم:

"یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب والابصار ثبت قلبی علی دینک"

فرمود: "البته خداوند دگرگون کننده دلها و دیده هاست ولی همین طور که من می گویم تو نیز بگو:

گرانبهاست غم عشق یوسف زهرا"س" خدا به هر دل ناقابلی عطا نکند

بیستم: دعا در زمان غیبت آن حضرت علیه السلام

دعایی است که سید بن طاووس رحمه الله در کتاب مهج الدعوات آورده، در حدیثی که حضرت مهدی "عج" در آن یاد شده، راوی می گوید عرض کردم: شیعیان چکار کنند؟ فرمود: "بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج کشیدن" تا آن جا که گوید: عرضه داشتم: به چه چیزی دعا کنیم؟ فرمود: می گویی: اللهم انت عرفتني... (در گذشته ذکر شد)

کی سوسن مهر تو، از پرده برون آید تا زلف کرامات، آباد کند جایی

طوفان فراق تو، تار جگرم گشته آلاله صبر من، در موسم یغمایی

بیست و یکم: شناختن علامت های ظهور آن "حضرت عجل الله تعالی"

و دلیل بر این عقل است و نقل. دلیل عقل: پیشتر عنوان کردیم که شناخت شخص آن حضرت "عج" واجب است و شناختن علائم حقی که مقارن با ظهور ایشان یا نزدیک به آن است مقدمه شناختن ایشان می باشد. و حال می گوییم تردیدی نیست که روی آوردن به سوی آن حضرت "عج" هنگام ظهورش از شهرها جز بعد از علم به ظهور امکان پذیر نمی باشد و این علم به سبب آشکار شدن علامتهای حتمیه ای که وعده شده اند حاصل می گردد و اما شناختن آن جناب بوسیله معجزاتی که از حضرتش صادر می شود، برای حاضران در خدمتش انجام

می یابد، چنانکه پوشیده نیست. و این نقل: فرموده امام صادق "ع" است در خبر عمر بن ابان که در حدیثی در کافی روایت آمده که فرمود: "علامت را بشناس، پس هرگاه آن را شناختی، پیش افتادن یا تاخیر کردن این امر تو را ضرر نرساند." (اصول کافی/ج ۱)

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی دل بی تو به جان آمد، وقت است که باز آیی

بیست و دوم: تسلیم بودن و عجله نکردن

در کافی به سند خود از عبد الرحمن بن کثیر آورده شده که گفت: در محضر امام صادق "ع" بودم که مهزم بر او وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم، خبرده مرا از این امری که منتظرش هستیم که کی خواهد بود؟ حضرت صادق "ع" فرمود: ای مهزم وقت گذاران، دروغ گویند و عجله کنندگان هلاک گردند و تسلیم شدگان نجات یابند. (اصول کافی/ج ۱؛ ۳۶۸ و ۳۶۹)

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد کز دست بخواهد شد، پایان شکیبایی

بیست و سوم: صدقه دادن به نیابت آن حضرت "عجل الله تعالی"

و این از نشانه های مودت و دوستی آن جناب و ولایت ایشان است و بر این مقصود و بر این که صدقه دادن و مانند آن صله است دلالت می کند خبر علی بن ابی حمزه که در وسایل و بحار و غیر آن روایت آمده که گفت: "به حضرت ابوابراهیم (موسی بن جعفر "علیه السلام") عرضه داشتم: آیا حج به جای آورم و نماز گزارم و از سوی زندگان و مردگان از خویشان و دوستان صدقه بدهم؟ فرمود: و از سوی او صدقه بده و نماز گزار و به سبب صله و پیوندت نسبت به او پاداش دیگری برایت خواهد بود." (وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۵/۳۶۷)

ای قرار دلم، نوبهار دلم، میرسی پس کی؟! ... چو ابر نوبهارم من... به دل شورگریه دارم من...

می توانم آیا نبارم من؟! ... بیا در جان مشتاقان... گل افشان کن. به روی خودش ما را چراغان کن...

بیست و چهارم: صدقه دادن به سلامتی آن حضرت "عجل الله تعالی"

این کار از گونه های مودت نسبت به قربی و بستگان پیامبر "ص" است که خداوند بندگان را در کتاب خود به آن امر فرموده: نمی بینی که هرگاه فرزندی یا یکی از عزیزانت را دوست می داری و بر او بیمناک هستی، به قصد سلامتی او صدقه می دهی؟ پس مولای تو از هرکسی به این امر سزاوارتر است... شیخ صدوق در مجالس بسند خود از پیامبر اکرم "ص" آورده که فرمود: "هیچ بنده ای ایمان نیاورد تا این که من نزد او از خودش محبوب تر باشم و خاندانم از خاندان خودش نزد او محبوبتر باشند و عترت من نزد او از عترت خودش محبوب تر باشند و ذات من از ذات خودش نزد او محبوبتر باشد." (مجالس؛ شیخ صدوق)

...گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

بیست و پنجم و بیست و ششم: حج رفتن به نیابت از آن حضرت "عج" و فرستادن نایب تا از طرف آن جناب حج کند.

شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از امام صادق "ع" روایت آورده که از آن حضرت سوال شد درباره شخصی که از سوی شخص دیگری حج به جای آورد، آیا چیزی از اجر و ثواب برای او هست؟ فرمود:

"برای کسی که از سوی شخص دیگری حج به جای آورد: اجر و ثواب ده حج هست و او پدر و مادر و پسر و دختر و برادر و خواهر و عمه و دایی و خاله اش آمرزیده می شوند، خدای تعالی رحمتش وسیع و او کریم است." (من لایحضره الفقیه؛ شیخ صدوق، ج ۲)

مهدی جان! بی توشه ویرانه، قصر دل مجنونم دست من و دامانت ای نرگس زهرایی

بیست و هفتم و بیست و هشتم: طواف بیت الله الحرام به نیابت از ایشان و فرستادن نایب تا از طرف آن حضرت "عج" طواف نماید.

آن چه بر استحباب طواف کردن از سوی امام زنده به طور خاص دلالت دارد، روایتی است که ثقة الاسلام کلینی در کافی بسند خود از موسی بن القاسم آورده که گفت: به حضرت ابوجعفر ثانی، امام جواد "ع" عرض کردم: "می خواستم از سوی شما و پدر شما طواف کنم. بمن گفته شد: به نیابت از اوصیا طواف کردن درست نیست. آن حضرت "ع" بمن فرمود: بلکه هر قدر که توانستی طواف کن که آن جایز است..."

(فروع کافی؛ محمد بن یعقوب کلینی/ج ۴)

بیست و نهم: زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه معصومین "علیهم السلام" به نیابت از مولایمان صاحب الزمان "عج"

اضافه بر این که این عمل از اقسام صله امام است، از مهمترین کارهای بندگان است. علامه مجلسی قدس سره در مزار بحار به نقل از مولف مزار کبیر حکایت نموده و این است حکایت:

"و حضرت ابوالحسن عسکری "علیه السلام" زیارت کننده ای را از سوی خود به مشهد حضرت ابی عبدالله "علیه السلام" فرستاد، پس فرمود: برای خداوند جاهایی ست که دوست می دارد در آنها دعا شود، پس اجابت فرماید و البته حائر امام حسین "علیه السلام" از آن جاهاست." (بحار الانوار/ج ۱۰۲/۲۵۷)

گفتنی و لازم به ذکر است که هرگاه استحباب نیابت کردن از آن حضرت "علیه السلام" در زیارت بعضی از مشاهد امامان "علیه السلام" ثابت شد، پس بودن بین آن حرم و مشاهد دیگر امامان "علیه السلام" تفاوتی نخواهد بود.

یا مهدی "عج" به فریاد برس.

سی ام: استحباب اعزام نایب برای زیارت از سوی آن حضرت "عجل الله تعالی"

و رجحان این عمل پس از ثبوت استحباب نیابت ظاهر می شود، زیرا که یاری نمودن بر نیکی و تقوی است و مودت کردن نسبت به ذوالقربی (خاندان پیامبر اکرم ص) وصله امام "علیه السلام" می باشد. بلکه استحباب آن به تمام آن چه در حج و طواف و نایب فرستادن برای این که حج و طواف نماید، گذشت، می توان استدلال کرد و استناد جست.

هرشب تا چشم روی هم بگذاریم، صبح می شود،

افسوس، شبهای انتظار "تو"

عمری به صبحدم نرسید...

سی و یکم: سعی در خدمت کردن به آن حضرت "عجل الله تعالی"

اهتمام به خدمت کردن آن جناب برترین طاعات و بالاترین وسایل تقرب به خداوند عزوجل است، چرا که امام صادق "علیه السلام" آن را ترجیح داده اند و از بین سایر انواع طاعت و اقسام عبادت آن را برگزیده است، آن حضرت در جای دیگر می فرمایند:

"و اگر دوران او را دریابم، تمام مدت زندگانیم او را خدمت خواهیم کرد."

ای خاموشان! فراموشی بس است صبح آمد، خواب خرگوشی بس است

فصل کشت بذر خورشید آمده موسم تکثیر توحید آمده...

سی و دوم: اهتمام ورزیدن به یاری آن حضرت "عجل الله تعالی".

زیرا که هرکس ایشان را یاری نماید، درحقیقت خدای عزوجل را یاری نموده، خداوند متعال می فرماید:

"و به تحقیق که خداوند یاری می کند، کسی که او را یاری نماید، همانا خداوند در منتهای قدرت و توانایی است."

و نیز خداوند عزوجل فرموده:

اگر خداوند را یاری کنید او شما را یاری می کند و گامهایتان را ثابت و استوار می سازد.

آری... ای آقای من...

کاسه صبر سبوکشان لبریز لبریز است،

و جانها در فغان آمده اند و ما دیری است که بی شکیب دیدار توئیم...

سی و سوم: تصمیم قلبی بر یاری کردن آن جناب در زمان حضور و ظهورش.

این امر از لوازم ایمان و از نشانه های یقین است، روایتی را ثقه الاسلام کلینی در کتاب اصول کافی بسند صحیحی از امام صادق "علیه السلام" آورده که فرمود: "همانا بنده مومن فقیر می گوید: پروردگارا، به من روزی ده تا از کارهای نیک و گونه های خیر، چنین و چنان کنم. پس اگر خداوند عزوجل این را از روی نیت درست از او بداند، خداوند برای او پاداشی می نویسد. همچنانکه اگر آن کارها را انجام می داد، خداوند کریم رحمتش نامتناهی است." (اصول کافی؛ ج ۲/۸۵؛ باب نیت)

بعد از این، آب و زمین در دست ماست هند و روم و ترک و چین در دست ماست

سی و چهارم: تجدید بیعت با آن حضرت در فرائض، روزها و هر جمعه. (برای دعا رجوع به صفحه ۳۲)

تجدید بیعت با آن جناب بعد از هر نماز از فرائض پنجگانه یا هر روز و یا هر جمعه، از جمله دعای عهد و دعای سمات و...

...کجایید شیعیان حقیقی و منتظران راستین که جمعه حضورش را با تمامی نیاز بخواهد.

آخر تا کی غروب جمعه، این دلتنگی دلهای ماست، تا کی نگاهمان به راه و دلمان به انتظار بماند.

آخر چرا نبودنش را عادت کردیم... چطور توانسته ایم و می توانیم بدون او جمعه هامان را بگذرانیم... چرا اشکهامان بی اثر شده است... آخر چرا؟...

سی و پنجم: صله آن حضرت "عجل الله تعالی" به وسیله مال.

به این که مومن بخشی از دارایی خود را برای امام زمانش "عج" هدیه کند و هر سال به این عمل مداومت نماید در این عمل شریف، غنی و فقیر و حقیر و شریف و مرد و زن یکسان می باشند، الا این که ثروتمند به مقدار توانایی اش و فقیر به مقدار استطاعت خود تکلیف دارد.

شیخ کلینی در کافی بسند خود روایت آورده از حضرت ابی عبدالله امام صادق "علیه السلام" که فرمود: "هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از اختصاص دادن درهم به امام "علیه السلام" نیست و به دوستی که خداوند درهم را برای او (پرداخت کننده) در بهشت همچون کوه احد قرار دهد".

...تو ای نور خدا تابی کران آرزو جاری تو ای زیباترین معنای عشق و مظهر یاری

ترا دیدم که می آیی ز سمت بی نهایت ها و دیدم نور سبزت را که هر سو می شود جاری

ترا دیدم که می تابی، ترا دیدم که می آیی به روی شانه هایت یک سبد خورشید می آری...

سی و ششم: صله شیعیان و دوستان صالح امامان "ع" بوسیله مال.

در کتاب تهذیب بسند خود از آن حضرت (امام موسی بن جعفر) آورده که فرمود:

"کسی که نمی تواند ما را زیارت کند، پس برادران صالح خود را زیارت نماید که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود و هرکس نتواند ما را صله نماید پس برادران صالح اش را صله نماید، ثواب صله ما برایش ثبت می شود." (تهذیب، شیخ طوسی)

درباب ضعیفان را در وقت توانایی

دائم گل این بستان شاداب نمی ماند

سی و هفتم: خوشحال کردن مومنین.

این کار مایه سرور و خرسندی مولایمان صاحب الزمان "عج" می باشد و خوشحال کردن مومنین هم با کمک کردن آنها بوسیله مال، بدن، برآوردن حاجات، برطرف کردن غصه ها، وساطت و شفاعت در حق ایشان، دعا کردن در حق ایشان، قرض دادن به آنها و... می باشد. پس هرگاه مومن محب اهل بیت با انجام این قبیل کارها نیت کند که آن حضرت "عج" را مسرور نماید به ثواب آن نایل می یابد. روایتی در کافی از امام صادق "علیه السلام" آمده که فرمود:

"کسی از شما نپندارد که چنانچه مومنی را شاد و مسرور نماید تنها او را شادمان کرده، بلکه والله ما را خوشحال ساخته، بلکه سوگند به خدا، رسول خدا "ص" را خوشحال نموده است." (اصول کافی؛ ج ۱۸۹/۲؛ باب ادخال السرور علی المومنین)

گفتا که درره ما غم نیز شادمان ست

...گفتم مرا غم تو خوشتر ز شادمانی ست

گفت آن که سوخت او را کی ناله و فغان است...

گفتم که سوخت جانم از آتش نهانم

سی و هشتم: خیرخواهی برای آن حضرت "عجل الله تعالی"

در کافی بسند صحیحی از امام باقر "علیه السلام" آمده است که:

"رسول خدا "ص" فرمود: خدای عزوجل به هیچ دوست خود که جانش را به اطاعت و خیرخواهی امامش به زحمت انداخته نظر نیفکند، مگر این که او در رفیق اعلی (دسته پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحین که در بهشت قرین هم باشد) با ما باشد." (اصول کافی؛ جلد ۴۰۴/۱)

سی و نهم: زیارت کردن آن حضرت "عجل الله تعالی فرجه الشریف"

به وسیله توجه نمودن به آن جناب و سلام کردن بر او در هر مکان و زمان به طور عموم و در بعضی از جاها و زمانها بطور خاص.

یا حجت ابن الحسن العسگری

سلام بهترین خلق جهانت نثار مهدی صاحب زمانت

سلامی که حدود هرگز ندارد از این بهتر درود هرگز ندارد

در اعداد سلامش نیست غایت درودش را نمی باشد نهایت

تذکر: دعایی که در ذیل ذکر می شود مربوط به تجدید بیعت با آن جناب در هر روز است که در تکلیف شماره سی و چهارم باید بیان می شد و حالا در این صفحه ذکر می شود و این دعا مستحب است هر روز بعد از نماز صبح خوانده شود که عبارت است از :

« اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَيَّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَعَنْ الْوَدَىِّ وَعَنْ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمُنْتَهَى رِضَاهُ وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُجَدِّدُ لَهٗ فِي هَذَا الْیَوْمِ وَفِی كُلِّ یَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبِیْعَةً فِی رَقَبَتِیْ اَللّٰهُمَّ کَمَا شَرَّفْتَنِیْ بِهَذَا التَّشْرِیْفِ وَقَضَّیْتَنِیْ بِهَذِهِ الْفَضِیْلَةِ وَخَصَّصْتَنِیْ بِهَذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَیْ مَوْلَایَ وَنَسِیْدِیْ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنِیْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاشِیَاعِهِ وَالدَّائِمِیْنَ عَنْهُ وَاجْعَلْنِیْ مِنَ الْمُسْتَشْهِدِیْنَ بَیْنَ یَدَیْهِ طَائِعًا غَیْرَ مُكْرَهٍ فِی الصَّفِّ الَّذِیْ نَعَتَ اَهْلُهُ فِی کِتَابِکَ فَقُلْتُ صَفًّا کَانَ لَهُمْ بُنْیَانٌ مَّرْصُوعٌ عَلَی طَاعَتِکَ وَطَاعَةِ رَسُوْلِکَ وَآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ هَذِهِ بَیْعَةٌ لَهٗ فِی غُنْقِیْ اِلَیْ یَوْمِ الْقِیَمَةِ »

همانا نور چشم مصطفی کو که فرزند علی مرتضی کو

چه شد آن که هدایت آفرین بود همانند خدیجه مه جبین بود

ز فرزندان زهرا و علی بود حقیقت از نگاهش منجلی بود

کجا شد آن که برگیرد ز اعدا به قدرت انتقام انبیا را

بگیرد از ستمگر حق مظلوم حقوق انبیا و نسل مغموم

کجا شد والی عصر و زمانها همان ربط زمین و آسمانها

چه شد صاحب لوای فتح و نصرت که یابد نشر از او نور هدایت

(برگرفته از مضامین پربار دعای ندبه)

چهلیم: دیدار مومنین صالح و سلام کردن بر آنان

به قصد نائل شدن به فضیلت زیارت آن حضرت و سلام کردن بر آن جناب "عج" و بر این معنی دلالت دارد براین که در کتاب کامل الزیارات به سند خود از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر "علیه السلام": هرکس نتواند ما را زیارت کند پس صالحین از دوستانمان را دیدار نماید، ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود و هرکس نتواند ما را صله نماید افراد صالح از دوستان ما را صله کند ثواب ما برای او نوشته می شود.

بیا بیا که سوختم ز هجر ماه تو تمام عمر دوختم دو چشم خود براه

چهل و یکم: درود فرستادن بر آن حضرت "عج ا..."

و آنچه بر فضیلت و تاکید آن دلالت دارد چند امر است، از جمله:

(۱) اینکه درود و صلوات از اقسام دعا کردن است.

(۲) تمام آنچه در فضیلت صلوات فرستادن بر خاندان پیغمبر "ص" رعایت شده و روایاتی که دلالت دارند بر این که درود فرستادن بر پیامبر اکرم "صلی الله علیه و آله وسلم" جزء با درود فرستادن برایشان تمام نیست.

(۳) وارد شدن صلوات بر خصوص آن حضرت "عج" در بسیاری از دعاهایی که از امامان "علیهم السلام" رسیده است و این بر کسی که در پیرامون این مطلب جستجو نماید پوشیده نیست.

(۴) وارد شدن طلب توفیق برای درود فرستادن بر آن حضرت "عج ا..."

(۵) امر به درود فرستادن بر آن جناب در اخبار متعدد.

"السلام عليك يا ابا الصالح المهدى عجل على ظهورك"

چهل و دوم: هدیه کردن ثواب نماز به آن جناب "عجل الله"

و دلیل بر این روایتی است که سید بن طاووس در کتاب جمال السبوع آورده و می گوید ابو محمد صمیری حدیث آورد گفت: حدیث کرد ما را ابو عبدالله احمد بن عبدالله بجلی بسندی که مرفوع است به امامان "علیه السلام" که فرمودند: هرکس ثواب کار خود را برای رسول خدا "ص" و امیر مومنان "علیه السلام" و اوصیاء بعد از آن حضرت قرار دهد، خداوند ثواب نمازش را آنقدر افزایش می دهد که از شمارش آن نفس قطع می گردد و پیش از آنکه روحش از بدنش برآید به او گفته می شود: ای فلان هدیه تو به ما رسید پس امروز روز پاداش و تلافی کردن نیکی های توست دلت خوش و چشمت روشن باد به آنچه خداوند برایت مهیا فرمود و گوارایت باد آنچه را به آن رسیدی. راوی می گوید: به امام "علیه السلام" عرض کردم چگونه نمازش را هدیه نماید و چه بگوید؟ فرمود: نیت می کند ثواب نمازش را برای رسول خدا "ص".

"ای جمالت قبله چشمان بیا"

چهل و سوم: هدیه نماز مخصوص

اینکه شخص مومن نماز مخصوصی به عنوان هدیه به آن حضرت یا به یکی از امامان شریف بجای آورد و هیچ حد و وقت و شماره ای برای این نماز نیست و مومن به مقدار محبت و توانایی اش به محبوبش هدیه تقدیم می کند و بر حسب طاقتش او را خدمت می نماید. و آن نماز مخصوص اینچنین است: دو رکعت نماز را همچون نمازهای واجب آغاز کند که هفت تکبیر یا سه تکبیر بگوید یا در هر رکعت یک تکبیر.

چهل و چهارم: نماز هدیه به آن حضرت به گونه مخصوص در وقت معین

و این را در جمال الاسبوع روایت کرده که: مستحب است آدمی در روز جمعه هشت رکعت نماز گذارد، چهار رکعت را به رسول خدا "ص" هدیه نماید و چهار رکعت را به فاطمه زهرا "س" هدیه کند و روز شنبه چهار رکعت نماز گذارد و آن را به امیرمومنان "علیه السلام" هدیه نماید و همین طور هر روز از هفته به یکی از امامان "علیهم السلام" هدیه کند تا روز پنج شنبه که چهار رکعت را به حضرت جعفر بن محمد صادق "علیه السلام" هدیه گرداند، سپس روز جمعه نیز هشت رکعت نماز گذارد که چهار رکعت آن را به رسول خدا "صلی الله علیه و آله وسلم" و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمه زهرا "علیه السلام" هدیه نماید، سپس روز شنبه چهار رکعت را به موسی بن جعفر "علیه السلام" هدیه کند و همچنین تا روز پنجشنبه که چهار رکعت را به حضرت صاحب الزمان "عجل الله تعالی" هدیه نماید و بین هر دو رکعت از این نمازها این دعا را بخواند:

"اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَاِلَيْكَ يَعُوْذُ السَّلَامُ حَيَّنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِّنَا اِلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ"

به جای فلان بن فلان آن معصومی که نماز را به او هدیه می کند نام ببرد.

"فَضَّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُ اِيَّاهَا وَاَعْطِنِيْ اَمَلِيْ وَرَجَائِيْ فَيْكَ وَفِيْ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ"

ترجمه: بارخدایا تو سلامت دهنده و سالم از هر عیب هستی و سلامت از توست و به تو منتهی می شوی، ای پروردگار ما با سلام ما را تحیت گو بار خدایا این رکعت ها هدیه ای از من به امام... فرزند امام... است، پس بر محمد و آل محمد درود فرست.

و پس از تسبیح رکوع و سجود در هر رکعت سه مرتبه بگوید: "صلی الله علی محمد و آل محمد الطیبین الطاهرین" و چون تشهد گفت و سلام بگوید:

« اللهم انت السلام و منک السلام یا ذوالجلال و الاکرام صل علی محمد و آل محمد الطیبین و الطاهرین الاخیار و ابلغهم افضل التحیه و السلام اللهم ان هذه الركعات هدیه منی الی عبدک و نبیک و رسولک محمد بن عبدالله خاتم النبیین و سید المرسلین اللهم متقبلها منی و ابلغه ایاها عنی و اثبني علیها افضل املی و رجائی فیک و فی نبیک علیه السلام و وصی نبیک و فاطمه الزهراء ابنة نبیک و الحسن و الحسین سبطی نبیک و اولیائک من ولد الحسین علیهم السلام یا ولی المومنین یا ولی المومنین یا ولی المومنین »

و بعد از این دعا بگو:

« اللهم ان هاتین الركعتین هدیه منی الی عبدک و ابن عبدک و ولیک و ابن ولیک سبط نبیک فی ارضک و حجتک علی خلقک » (تا آنجا که بگوی ۳ مرتبه یا ولی المومنین)

خواب دیدم، خاراها بی حس شدند ناگهان، گلها همه نرگس شدند

ناگهان دروازه مشرق شکافت عشق آمد، سینه منطق شکافت

از میان عرش، راهی باز شد پرده از رخسار ماهی باز شد

و این هدیه را بر او برسان و امید و آرزویم را درباره تو و رسول تو که درود تو بر او و آتش باد به من عطا فرمایی.

گفتم که حاجتی هست، گفتا بخواه از ما گفتم غمم بیفز، گفتا که رایگان است

چهل و پنجم: اهداء قرائت قرآن به آن حضرت "عجل الله"

و بر فضیلت و استحباب آن دلالت دارد آنچه ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی در کافی از علی بن المغیره روایت آورده که گوید: به حضرت ابوالحسن امام کاظم "علیه السلام" عرض کردم: پدرم از جد تو راجع به ختم کردن قرآن در هر شب پرسیده بود، جد تو به او فرموده بود: در هر شب. به آن جناب عرضه داشته بود: نیز؟ جد تو فرموده بود: در ماه رمضان پدرم به او عرضه داشته بود: آری تا هر قدر بتوانم. پس از آن پدرم قرآن را چهل بار در ماه رمضان ختم می کرد. پس من بعد از پدرم آن را ختم می کردم، بسا که بر او می افزودم و یا کمتر از آن را ختم می کردم به مقدار فراغت و اشتغال و نشاط و کسالت پس هرگاه روز فطر شود برای رسول خدا "ص" یک ختم و برای علی "علیه السلام" ختمی دیگر و برای فاطمه "علیه السلام" ختمی دیگر و سپس برای ائمه "علیهم السلام" تا به شما رسد قرار می دهم، که از آن هنگام که در این حال بوده ام یک ختم قرآن برای شما قرار دادم، به سبب این کار چه پاداشی برایم هست؟ امام کاظم "علیه السلام" فرمود: پاداش تو آن است که روز قیامت با آنان باشی، عرض کردم، الله اکبر چنین پاداشی برای من است؟ سه مرتبه فرمود: آری.

فدایت جانم ای که دور گشتی به غربت باشی و مستور گشتی

و چه استدلال اینکه ظاهر از سخنان امام مترتب شدن ثواب بر آن عمل از این جهت است که به پیامبر و امام هدیه می شود و تقرب به ایشان است و خصوصیتی در امامان یاد شده نبوده است، بلکه از گفته راوی چنین بر می آید که یک ختم قرآن را برای امام کاظم "علیه السلام" قرار داده چون آن حضرت امام زمانش بوده است، لذا گفت از آن هنگام که در این حال بوده ام... و امام "علیه السلام" او را تحسین فرمود.

چهل و ششم: توسل و طلب شفاعت از خداوند به وسیله آن حضرت "عج"

باید گفت آن جناب "باب الله" می باشند که از آن در آیند و راه به سوی رضوان خداوند است و اوست شفیع به سوی خداوند و اوست اسم خداوند که بندگان را امر فرموده به آن توسل کنند، چنانکه در روایات از امامان آمده که: درباره فرموده خدای تعالی:

"و لله السماء الحسنی فادعوه بها" (قرآن کریم؛ سوره اعراف/ ۱۸۰)

ترجمه: و برای خداوند نامهای نیکی است او را با آنها بخوانید.

و در بحار از مولایمان حضرت رضا "علیه السلام" آمده که فرمود: هرگاه سختی و گرفتاری بر شما وارد شود بوسیله ما از خدای عزوجل کمک بخواهید، و این است (معنی) فرموده خدای عزوجل: "و لله السماء الحسنی فادعوه بها" (بحار الانوار؛ علامه مجلسی)

... تو مداوای تمام دردهای این دلی در میان غرقه دریای غمها ساحلی...

... از تو و از عشق تو تا بیکران آکنده ام عاشقانه با توام با این طریقت زنده ام...

چهل و هفتم: دادخواهی و توجه نمودن و عرضه کردن حاجت بر آن حضرت "عج"

که آن جناب فریادرس خلق است، چنانکه در زیارتی که از حضرتش روایت گردیده آمده است و دادرسی کسی است که از او دادخواهی کنند و آن حضرت "عج": حصار محکم امت و فریادرس هر بیچاره درمانده و پناه گریختگان و نجات دهنده بیم ناکان و نگهبان عصمت جویان است، چنانکه درباره آن جناب و پدران معصومش وارد شده در دعایی که از امام زین العابدین "علیه السلام" در ایام ماه شعبان روایت گردیده است (اقبال؛ سیدبن طاووس)

و در زیارت جامعه چنین آمده: فاز من تمسک بکم و امن من لجا الیکم

ترجمه: هرکس به شما تمسک جست رستگار و پیروز شد و هرکس به شما پناه آورد ایمن گشت.
(بحار الانوار؛ ج ۱۰۲)

در حریمت آرزوی خاکساری می کنم

تا مگر چون خاک ره بوسم کف پای تو را

چهل و هشتم: دعوت کردن مردم به آن حضرت "عجل الله تعالی فرجه الشریف"

و حضرت امام هادی "علیه السلام" فرمودند: اگر نبودند کسانی از علما که بعد از زغیت قائم شما-عجل الله تعالی- به او دعوت کنند براو دلالت نمایند از دین او با دلایل خداوند دفاع کنند و بندگان ضعیف خداوند را از دامهای ابلیس و سرکشان او رها سازند و از شبکه ناصبیان خلاص نمایند (اگر اینان نبودند) هیچکس نمی ماند مگر اینکه از دین خدا بر می گشت، ولی اینان هستند که زمام دلهای شیعیان ضعیف را به دست می گیرند، همچنان که ناخدای کشتی سکان آن را در دست دارد، آنان برترین کسان نزد خدای عزوجل می باشند.

لازم به توضیح است که راههای دعوت به آن حضرت از چهار طریق صورت می گیرد:

(۱) دعوت کردن با کمک گرفتن از حکمت علمی (۲) دعوت کردن بوسیله حکمت عملی

(۳) دعوت کردن بوسیله موعظه نیکو (۴) دعوت کردن به وسیله مناظره به نیکوترین وجه

روایتی از امام صادق "علیه السلام" نقل شده است که فرموده اند: با غیر زبانان دعوت کننده مردم باشید. (یعنی با اعمالتان)...

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

از غم هجر مکن ناله و فریاد که من زده ام فالی و فریاد رسی می آید

چهل و نهم: رعایت حقوق آن حضرت و مواظبت بر ادای آنها و رعایت وظایف نسبت به آن بزرگوار "عج"

حق امام "عج" بعد از خدا و رسول از همه حقوق بر تمامی اهل عالم مهمتر است، نظر به مراقبتی که خدای تعالی به او اختصاص داده و او را از سایر خلائق برگزیده است و او واسطه رسیدن هرگونه فیض به آنها می باشد و از امامان "علیهم السلام" روایت آمده که: "هرحق که برای خدای تعالی است برای ما می باشد."

گل زیبای زهرا!

دلم در هوای تو صد پاره باد و هر پاره

هزار ذره و هر ذره در هوای تو باد

پنجاهم: خشوع دل هنگام یاد آن حضرت "عجل الله تعالی فرجه الشریف"

نرمش دل برای یاد آن حضرت و اهتمام به آنچه مایه خشوع و نرمی دل می شود بوسیله مراقبت و شرکت در مجالس آن جناب "عج" و یادآوری حقوق و مصائب او و دوری از آنچه سبب قساوت و سختی دل می شود و برکنار ماندن از مجالسی که موجب حسرت و پشیمانی است چنانکه در فرموده خدای تعالی:

« أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ »

ترجمه: آیا هنگام آن رسیده که آنهایی که ایمان آورده اند دلهایشان بذكر خداوند خاشع گردد و به آنچه از حق فرود آمده دل بسپارند و نباشند مانند کسانی که پیشتر کتاب برایشان آمد (یهود و نصاری) که مدت بر آنان به درازا کشید، پس دلهایشان قساوت گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند. (قرآن کریم؛ سوره حدید/۱۶)

روایت آمده که: این آیه در مورد جریان حضرت حجت "عج" نازل شده و تاویل آن در زمان غیبت جاری می گردد.

پنجاه و یکم: عالم باید علمش را آشکار سازد

در کتاب کافی از پیغمبر اکرم "صلی الله و علیه و اله و سلم" آمده که فرمودند: "هرگاه بدعتها در امت من ظاهر شد، پس باید که عالم دانش خود را آشکار نماید، که هرکس این کار را نکند لعنت خدا بر او خواهد بود." (اصول کافی؛ باب المبدع)

مه من نقاب بگشا ز جمال کبریا
که بتان فرو گذارند اساس خود نمایی

پنجاه و دوم: تقیه کردن از اشرار و مخفی داشتن راز از اغیار

در کتاب کافی بسند صحیحی از حضرت ابی عبدالله امام صادق "علیه السلام" آمده که فرمودند: "تقیه پسر مومن است و تقیه نگهدار مومن و هرکس را تقیه نیست ایمان ندارد، همانا حدیثی از احادیث ما به بنده ای می رسد پس خدای عزوجل را بین خود و خدا با آن حدیث دینداری می نماید و مایه عزت او در دنیا و نور او در آخرت می گردد و بنده دیگر حدیثی از احادیث ما به او می رسد، پس او آن حدیث را فاش می کند و موجب خواری او در دنیا می شود و خدای عزوجل آن نور را از او می گیرد." (اصول کافی؛ شیخ کلینی؛ ج ۲/۲۲۱؛ باب التقیه؛ ج ۲۲)

عاقلان با حرف خود از غصه آبم می کنند

با سخن از دل بریدن خرابم می کنند

پنجاه و سوم: صبر کردن بر اذیت و تکذیب و سایر محنتها

خداوند تبارک و تعالی بندگان خود را در زمان غیبت ولیش "عجل الله تعالی فرجه الشریف" با انواع محنتها و بلاها امتحان می کند تا خوب را از بد جدا سازد.

و حضرت امیرالمومنین علی "علیه السلام" فرمود: ای مردم خداوند شما را از اینکه بر شما ستم کند دور داشته، ولی شما را ایمن ننموده از اینکه شما را بیازماید و او که بزرگوارترین گویندگان است فرموده: "ان فی ذلک لآیات و ان کنا لمبتلین" و برآستی که در این (وقایع و حوادث) آیات و نشانه‌هایی است و ما البته (خوب و بد بندگان) را امتحان می‌کنیم. (قرآن کریم؛ سوره مومنون/۳۰ و نهج البلاغه)

امام صادق "علیه السلام" فرمود: بر اذیتی که در راه ما می‌بینید شکیبایی کنید راوی پرسید: و یکدیگر را به صبر سفارش کنید؟ فرمود: "بر دشمنانتان با ولایتان" و رابطه کنید، فرمود: "با امامانتان پایدار بمانید..."

ای تو بر دلشدگان قافله سالار بیا!

پنجاه و چهارم: درخواست صبر از خدای تعالی

از وظایف مومن آن است که در زمان غیبت از درگاه خداوند عزوجل بخواهد که او را در مواقعی که وظیفه اش صبر کردن است به آن توفیق دهد.

در روایات امر به صبر خواهی از خدای عزوجل وارد گردیده، چنانکه در کافی از امام صادق "علیه السلام" روایت کرده که فرموده: "خداوند عزوجل رسولان را به مکارم اخلاق اختصاص داده، پس خودتان را بیازمایید، که اگر در شما آن اخلاق بود خداوند را حمد گوید و بدانید که آن از خوبی شما است و اگر آن اخلاق در شما نبود پس از خداوند مسئلت نماید و برای دست یابی به آنها به درگاه خداوند التماس کنید." سپس آن حضرت ده چیز را شمرد:

"یقین و قناعت و صبر و شکر و خویشتن داری و خلق نیکو و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروت"

(اصول کافی؛ ج ۲/۵۶؛ باب المکارم)

پنجاه و پنجم: سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت حضرت قائم "عجل الله تعالی فرجه الشریف"

روایتی که سید اجل علی بن طوس قدس سره در کتاب اقبال آورده از پیامبر اکرم "صلی الله علیه و اله وسلم" در خطبه روز غدیر که فرمود: و درباره علی نازل شد سوره والعصر و تفسیرش اینکه: "و سوگند به پروردگار (عصر) قیامت که (همانا انسان در زیان است)؛ دشمنان آل محمد، (مگر کسانی که ایمان آوردند) به ولایت ایشان (و کارهای خوب انجام دادند) به همدردی کردن با برادرانشان (و یکدیگر را به صبر سفارش دادند) در زمان غیبت غائبشان..."

من قسم خوردم به انجیل صحیح می رسد آن روح عیسی مسیح

من قسم خوردم به قرآن مبین زنده خواهد شد امیرالمومنین "ع"

پنجاه و ششم: عدم شرکت در مجالسی که نام آن حضرت را مسخره می کنند

پرهیز کردن و دوری جستن از مجالس اهل بطالت و ضلالت، آنها که یاد امام "عجل الله تعالی" را به مسخره می گیرند یا آن حضرت را به بدی یاد می کنند، یا بر آن بزرگوار خرده می گیرند، یا وجود شریفش را انکار می نمایند، یا اینکه از یاد کردن حضرتش روی گردانند، یا مومنان منتظر آن جناب را به تمسخر می گیرند. در کتاب اصول کافی به خبر صحیحی از امام صادق "علیه السلام" آمده که فرموده: "هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان دارد در جایی ننشیند که امامی در آن مذمت شود یا اهانت گردد" (اصول کافی؛ ج ۲/۳۷۷)

برگرد که بر بهارمان می خندند یک عده به انتظارمان می خندند

دستان سیاهی که به خون آلوده ست گویند که انتظارتان بیهوده ست

افسوس کسی نیست بیا داد برس یا صاحب ذوالفقار فریاد برس

پنجاه و هفتم: تظاهر کردن با ستمگران و اهل باطل

در بحار به نقل از کشف الغمه از طریق اهل سنت روایت آورده از ابوحنیفه که گفت: شنیدم که رسول خدا "ص" می فرمود: "وای بر این امت از پادشاهان ستمگر که چگونه می کشند و فرمانبرداران را می ترسانند مگر کسی که اطاعت از آنها را اظهار کند، پس مومن متقی با زبان با آنها تصنع و تظاهر می کند و با دل از آنها فرار می نماید، پس هرگاه خداوند عزوجل بخواهد اسلام را با عزت بازگرداند هرگونه ستمگر لجوج را در هم می شکند." (بحار الانوار؛ ج ۸۳/۵۱؛ باب الثامن و العشرون)

برداشت: لازم به ذکر است که در حال حاضر در کشور اسلامی ما این تکلیف موضوعیت ندارد و فقط برای مسلمانانی تکلیف محسوب می شود که برای اظهار عقیده آزادی مطلق ندارند.

ای خورشید عدالت! از محاق غیبت برون آی و بر هستی بتاب! زیرا:

تازیانه ستم، بر دوش نحیف ضعفا سنگینی می کند. انسانهای امروز، گرفتار جنتلن های جاهلی شده اند که در پس پرده های زیبا اما دروغین، به اسارت هم نوع می اندیشند و تفریح خویش را در بند بودن با دیگران یافته اند! شیعیان و مسلمانان هم اکنون در رده مظلومترین ها هستند.

افغانستان، بوسنی هرزه گوین، چین، عراق، فلسطین، لبنان، کشمیر و... شاهد این ادعایند.

آقا! هستی فدایت باد

بیا که اگر دیرتر شود، در انتظار دیدارت،

شقایق ها نشکفته پرپر می شوند.

و در غیبت نعمانی بسند خود از امیرمومنان علی "علیه السلام آورده" که فرمود: همچون زنبور عسل در بین پرنده ها باشید که تمامی پرندگان آن را ناتوان انگارند و اگر پرنده ها بدانند چه برکتی اندرون او نهفته است با

آن چنین رفتاری نکنند: با زبانها و دلهایتان با مردم معاشرت نمایید و با دلها و کارهایتان از آنان برکنار باشید.
(غیبت نعمانی/ ۱۱۲/۴ فی صفه القائم)

پنجاه و هشتم: ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت یافتن

زیرا که شهرت آفت است و ناشناس ماندن راحتی و در نهج البلاغه از امیرالمومنین علی "علیه السلام" آمده که:
در یکی از خطبه ها فرمودند:

و ذلک زمان لاینجو فیه الاکل مومن نومه ان شهد لم يعرف و ان غاب لم یفتقد اولئک مصابیح الهدی و اعلام
السری لیسوا بالمساییح و المذاویع البذرا ولیک یفتح الله لهم ابواب رحمہ و یکشف عنهم ضراء نقمته ایها الناس
سیاتی علیکم زمان یکفا فیه الاسلام کما یکفا الاناء بما فیه...

ترجمه: و آن زمانی است که در آن نجات نمی یابند مگر هر مومن بی نام و نشان، که اگر در مجالس حضور یابد
شناخته نشود و هرگاه غائب باشد در جستجویش بر نیایند، اینان چراغهای هدایت و روشنگران راه شبروانند، که
بر فتنه و فساد و سخن چینی در میان مردم آمدو شد نکنند و دهان به عیب گویی از مردم و یاوه سرایی
نگشایند، برای آنان خداوند درهای رحمتش را باز می کند و از ایشان سختی عذابش را بر طرف می نماید. ای
مردم زمانی بر شما خواهد رسید که اسلام در آن واژگون می شود و همچنان که ظرف واژگون گردد و آنچه در
آن است بریزد... (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۲)

مهدی جان! چنان دستم تهی گردیده از گرمای دست تو

که این یخ کرده را از بی کسی "ها" می کنم هرشب

پنجاه و نهم: تهذیب نفس

و پاکسازی درون از صفات پلید و زیور دادن آن به وسیله اخلاق پسندیده و این امر در هر زمان واجب است ولی یاد کردن آن به طور مخصوص در وظایف (زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه از این جهت است که درک صحبت او و قرار گرفتن در اعداد اصحاب آن جناب بستگی به آن دارد). به دلیل روایتی که نعمانی رحمه الله بسند خود از امام صادق علیه السلام آورده که فرمود: "هرکس دوست می دارد از اصحاب حضرت قائم" عجل الله تعالی فرجه "باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید در حالیکه منتظر باشد پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم عجل الله بپاخیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند." (غیبت نعمانی؛ ابراهیم نعمانی؛ ۱۰۶/۱)

من، نفسهایم پر از عطر هوای وصل توست

قصه اشعار من، آیینه سرفصل توست

می شود آیا نفس را از هوای سینه راند؟

می شود با عالمی فریاد، از هجران نخواند؟!

شصتم: اتفاق و اجتماع بر نصرت آن حضرت "عجل الله"

زیرا که در اجتماع کردن تأثیری هست که در افراد نیست، هرچند که نصرت کردن وظیفه همه افراد است،

خداوند فرموده: "و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا"

"ترجمه: و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید"

چون امام "علیه السلام" رشته محکم خداوند در میان بندگان می باشد در تمام زمانها و دست یازیدن به او جز با پیروی و نصرت او حاصل نمی گردد.

آری... زمان برای امتحان من و تو می گذرد تا ببیند که چون صدای "هل من ناصر..." امام عصر برخیزد چه کنیم؟! و در توقیع رفیعی که از سوی ناحیه مقدسه، به شیخ مفید رحمه الله صادر گشت آمده: "و اگر شیعیان ما که خداوند آنان را در اطاعتش یاری دهد در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده یکدل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی افتد و سعادت دیدار ما برای آنان با معرفت کامل و راستین به ما تعجیل گردد..." (بحار الانوار؛ علامه مجلسی؛ ج ۳/ ۱۷۷)

شصت و یکم: متفق شدن بر توبه واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آنها

از جمله اسباب طولانی شدن غیبت امام "عجل الله تعالی فرجه الشریف" گناهان و معصیتهایی است که از بندگان می بیند، چنانچه در همان توقیعی که به آن اشاره شد بعد از عبارت یاد شده فوق از آن حضرت "عج الله" آمده: "پس تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده می دارد همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود." «والله المستعان و هو حسبنا و نعم الوکیل»

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است

شصت و دوم و شصت و سوم: پیوسته به یاد آن حضرت بودن و به آدابش عمل کردن

امام "عجل الله تعالی فرجه" ناظر و شاهد بر ماست و بر حالات و حرکات و سکنتات ما اطلاع دارد، پس تو در هر حال و هر جا که هستی در پیش رویش قرار داری که اوست دیده بینای خداوند و گوش شنوای او پس چون این را دانستی و یقین داشتی که تو در پیش چشم و جلو رویش قرار داری. و چنانچه دانستی که آن حضرت "عجل الله تعالی" پیش چشمش قرار دارد، البته همت در جهت رعایت آداب آن جناب و مراسم ادب و انجام وظایفی

که نسبت به آن حضرت داری مصروف خواهد شد، به جهت مراتب معرفت، هرچند که با چشم سر آن بزرگوار را نبینی.

در حدیثی که رئیس المحدثین شیخ صدوق در کتاب کمال الدین بسند خود از مسعده بن صدقه از حضرت ابی عبدالله امام صادق "علیه السلام" از پدرانش از امیرالمومنین "علیه السلام" آورده اند که برفراز منبر در شهر کوفه فرمود: "بارخدا یا همانا به ناچار زمین تو را حجتی از سوی تو بر خلقت باید، (و پیروان ایشان گمراه نگردند)، که آنان را به دین تو هدایت کند و علم تو را به ایشان بیاموزد، تا حجت تو باطل نشود و پیروان ایشان گمراه نگردند پس از آنکه هدایتشان کرده ای. آن حجت یا آشکار است که اطاعت نشود، یا مخفی و در انتظار باشد، اگر شخص او از مردم در حال هدایت شدنشان غائب ماند، به درستی که علم و آداب او در دلهای مومنین ثبت است که آنان به آنها عمل می کنند. (اکمال الدین؛ شیخ صدوق؛ ج ۱/۳۰۲؛ باب ۲۶؛ ذیل ح ۱۱)

این حدیث مشهور است و در کافی (اصول کافی؛ ج ۱) و غیبت نعمانی با تفاوت اندکی از آن حضرت "عج" روایت گردیده.

زمین خالی مباد از حجت حق

شصت و چهارم: دعا در درگاه الهی برای جلوگیری از نسیان یاد آن حضرت "عج"

اینکه از درگاه خداوند عزوجل بخواهی که تو را از فراموش کردن یاد آن حضرت "عج ا..." محفوظ بدارد و دلیل بر این عبارتی است که از وجود خود آن حضرت "عجل الله تعالی" از شیخ عمروی رضی الله تعالی در کتاب کمال الدین روایت آمده که:

"ذکر آن حضرت را از یادمان مبر..." (اکمال الدین؛ ج ۲)

در تمامی اوقات بویژه مواقع استجاب دعا به درگاه خدای تعالی تضرع و زاری کنید که به فراموشی یاد آن جناب "عج" دچار نشوید و دعا را تا به هنگام مبتلا شدن به آن تاخیر میندازید که روایت رسیده از امامان

"عليهم السلام" در آداب دعا کردن آمده که: لازم است مومن پیش از آنکه بلا نازل شود به دعا کردن مبادرت ورزد.

"اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم"

ترجمه: بارخدایا بر من بیامرز گناهای را که مایه نزول نقت هستند.

و بدون تردید فراموش کردن یاد امام و غفلت نمودن از آن جناب "عجل الله" نقت و بلای بزرگی است که نقتهای دنیا و آخرت بر آن مترتب می گردد.

سوگند به هر چهارده آیه نور سوگند به زخمهای سرشار غرور

آخر شب سرد ما سحر می گردد آشوب جهان فتنه سر می گردد

چشمان خدا ز عشق تر می گردد مهدی عج به میان شیعه بر می گردد

شصت و پنجم: بدنت نسبت به آن جناب خاشع گردد

و دلیل بر این است که سید اجل علی بن طاوس در کتاب جمال الاسبوع بسند خود از محمد بن سنان از امام صادق "علیه السلام" در دعای روز جمعه روایت کرده و ما آن را در کتاب ابواب الجنات فی آداب الجمععات یاد کرده ایم:

« اللهم انی اتقرب الیک بقلب خاضع و الی ولیک ببدن خاشع الی الائمة الراشدین بفواد متواضع »

بارخدایا من به درگاه تو تقرب می جویم با دلی خاضع و به سوی ولیت با بدنی فروتن و به امامان هدایت کننده با قلبی متواضع ...

یا اباالصالح المهدی عج!

ای به خدای نام تو جان من و سرای من
عاشق روی پای تو این دل بی ریای من
خاک حریم درگهت سرمه چشمهای من
فرش طریق مقدمت دیده بی بهای من

شصت و ششم: مقدم داشتن خواسته آن حضرت بر خواسته خود

به اینکه در هر امری که بر تو وارد می شود و می خواهی در آن اقدام کنی، بیندیشی که آیا موافق رضای آن حضرت "عجل الله" است یا مخالف آن؟ پس چنانچه موافق رضای آن حضرت بود آن را انجام بدهی و بر آن اقدام نمایی، نه به خاطر هوای نفس خودت، بلکه به جهت موافقت داشتن آن با رضای او "عج" و اگر مخالف رضای او بود آن را واگذاری و با هوای نفست مخالفت کنی.

در دایره قسمت ما نقطه پرگاریم لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی

در کتاب نفس الرحمن به نقل از کتاب امالی شیخ طوسی قدس سره بسند خود از منصور بزرگ آورده که گفت: به حضرت ابی عبدالله امام صادق "علیه السلام" عرض داشتیم: ای آقای من، چه بسیار از شما یاد سلمان فارسی را می شنوم؟ فرمود: نگوی سلمان فارسی بلکه بگو: سلمان محمدی "صلی الله علیه و اله"، آیا می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟ عرض کردم: نه، فرمود: برای سه صفت: یکی: مقدم داشتن خواسته امیر مومنان "علیه السلام" بر خواسته خودش. دوم: دوست داشتن فقرا و برگزیدن آنها بر اهل ثروت و مکنّت. سوم: دوست داشتن علم و علما، همانا سلمان بنده صالح درستکار مسلمانی بود و از مشرکین نبود. (بحار ج ۲۲/علامه مجلسی)

شصت و هفتم: احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت "عجل الله تعالی" خواه قرابت و خویشاوندی آنها جسمانی باشد و خواه روحانی مانند: سادات علوی و علمای دینی و برادران ایمانی، زیرا که احترام و تجلیل آنها در حقیقت احترام و توقیر آن جناب "عج" است و این چیزی است که از نحوه معاشرت و آداب خردمندان مشاهده کنیم.

هر آنچه باشدم در راستایت پدر، مادر که جان من فدایت

شصت و هشتم: بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن جناب "عجل الله" زینت یافته اند.

مانند: مسجد سهله و مسجد اعظم کوفه و سرداب مبارک در شهر سرمن رای (سامره) و مسجد جمکران و غیر آنها از مواضعی که بعضی از صلحا آن حضرت را در آنجاها دیده اند، یا در روایات آمده که آن جناب در آنجا توقف دارد، مانند مسجد الحرام و تعظیم و احترام سایر چیزهایی که به او اختصاص دارد و منتسب می باشد، مانند نامها و القاب و کلمات و توقیعات و لباسهای آن حضرت "عجل الله" و کتابهایی که احوالات آن بزرگوار و آنچه متعلق به اوست در آن یادگردیده و مانند اینها...

چنانچه در کتابهای غایه المرام و البرهان و کتب دیگر بزرگان بسندهای معتبری از طریق شیعه و سنی آورده اند که: "رسول خدا" ص "آیه: (فی بیوت اذن الله ان ترفع...) را قرائت کرد مردی برخاست و عرضه داشت: این کدام منزلها است ای رسول خدا؟ آن حضرت "صلی الله علیه و اله وسلم" فرمود: منزلهای پیامبران. ابوبکر عرضه داشت: یا رسول الله این بیت از آنهاست؟ -و به خانه علی و فاطمه "علیهما السلام" اشاره نمود- حضرت رسول "صلی الله" فرمودند: آری از بهترین آنهاست. (غایه المرام، علامه بحرانی/ باب ۱۲)

گر بر سر کوی تو نباشم چکنم!

گر واله روی تو نباشم چکنم!

ای جان جهان به تارموی تو اسیر

گر بسته موی تو نباشم چکنم!

شصت و نهم و هفتادم: وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقت گذاران

بدان سخاوند تو و ما را توفیق دهد-که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور صاحب الامر را پیش از فرا رسیدن آن از بندگان مخفی بدارد. بخاطر اموری که بر ما پوشیده است.

چنانچه در دعایی که از آن حضرت "عجل الله" به دست شیخ عمری قدس سره روایت رسیده چنین آمده:

"خدایا و تو عالمی بدون تعلیم به آن وقتی که صلاح امر حکومت ولی تو است، در اینکه به او فرمان دهی امر خود را اظهار نماید و پرده غیبش را کنار زند، پس مرا بر انتظار آن صبر ده تا دوست ندارم آنچه به تاخیر انداخته ای جلو بیفتد و آنچه را تعجیل بخواهی من به تاخیرش مایل نباشم و هرچه تو در پرده قرار داده ای افشایش را نطلبم و در آنچه نهان ساخته ای کاوش ننمایم و در تدبیر امور جهان با تو که همه مصالح را می دانی نزاع نپردازم..." (برای اطلاع بیشتر از مضمون این دعا به کتاب مکیال المکارم/جلد دوم/بخش هفتم/رجوع فرمایید)

سپر سازم تن خود در مسیرت که یک عمری ست گردیدم اسیرت

هفتاد و یکم: تکذیب کردن مدعیان نیابت خاصه از آن حضرت "عجل الله" در زمان غیبت کبری

بدانکه شیعه امامیه متفقند که با فوت شیخ جلیل علی بن محمد سمري (نائب امام که آخرین آنها بود)-رضی الله عنه -وکالت منقطع شده و نیابت خاصه ختم گردیده است. و در زمان غیبت صغری ایشان مرجع شیعیان بودند و بعد از در گذشت سمري تا زمان ظهور حضرت حجت "عج" نائب خاصی از آن حضرت در میان شیعیانش نخواهد بود و مرجع شیعیان در زمان غیبت کبری جناب علمای عامل هستند که حافظ احکام الهی می باشند و هرکس نیابت خاصه را ادعا کند دروغگو و مردود است.

این جاهلان که دعوی ارشاد می کنند در خرقة شان به غیر "منم" میاب

دم در نیارو دفتر بیهوده پاره کن

تا کی کلام بیهوده گفتار ناصواب

"یا صاحب الزمان ادرکنی"

و از دلایل آنچه یاد کردیم نیز روایتی است که شیخ صدوق-قدس سره-بسمند خود از "ابان بن تغلب" آورده که گفت: حضرت ابی عبدالله امام صادق "علیه السلام" فرمود: "زمانی بر مردم خواهد آمد که سبطه ای در آن زمان به مردم می رسد. تا آنجا که راوی می گوید: عرضه داشتم: سبطه چیست؟ فرمود: فترت (فاصله زمانی که مایه سستی اعتقاد مردم شود) و غیبت امامتان، راوی می گوید: عرض کردم: در آن میان چکار کنیم؟ فرمود: بر آنچه (اکنون) هستید باقی بمانید تا اینکه خداوند ستاره تان را برایتان طالع سازد."

برداشت: اگر نائب خاص در زمان غیبت کبری موجود بود امام صادق می فرمودند برای تعیین تکلیف و گرفتن دستورالعمل به نائب خاصی که وجود دارد رجوع کنید نه اینکه بفرمایند به همین حال باقی بمانید یعنی خودشان تعیین تکلیف کنند.

هفتاد و دوم: درخواست دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان

اینکه از خدای عزوجل مسئلت نمایی که دیدار مولایمان صاحب الزمان را در حال عافیت و ایمان به تو روزی فرماید.

چنانچه در دعای عهدی که از امام صادق "علیه السلام" روایت گردیده چنین می خوانیم:

"اللهم ارني الطلعة الرشيدة و الغرة الحميدة"

"بارخدایا آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من بنما..."

یا مولانا یا صاحب الزمان "عجل ا..."

ای عقده گشای دل دیوانه من

ای نور رخت چراغ کاشانه من

راهی برخ تو چشم بیگانه من

بردار حجاب از میان تا یابد

و در دعای عمری که از حضرت صاحب الامر "عج" روایت شده چنین آمده:

"اللهم انی اسئلك ان ترینی ولی امرک ظاهرا نافذا الامر"

"بارخدا یا از تو مسئلت دارم که ولی امرت را به من بنمایی در حالی که فرمانش نافذ باشد..."

هفتاد و سوم: اقتدا کردن و تاسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت "عج"

پیروی کردن از آن جناب و الگو قرار دادن او در اخلاق و اعمال در آنچه مومن به حسب کمال خود می تواند انجام دهد، معنی تشیع و حقیقت ماموم بودن همین است و کمال ایمان و تمامیت سوالات امام و همراهی با او در روز قیامت و مجاورت با حضرتش در بهشت با این کار انجام می شود. چنانچه در نامه امیرالمومنین علیه السلام به عثمان بن حنیف فرماندار بصره از سوی آن حضرت چنین آمده:

"توجه کنید که هر مامومی از امامی هست و هر رهروی را راهبری که به او اقتدا می کند و از نور علمش برخوردار می گردد..." (نهج البلاغه/بخش نامه ها)

زجان و دل بپردازم حقوقش

کمک کن تا ادا سازم حقوقش

بپرهیزم ز عصیان بردن او

بکوشم در اطاعت کردن او

هفتاد و چهارم: حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن

و این کار هرچند که در هر زمانی خوب و پسندیده است ولی چون انسان در زمان غیبت حضرت صاحب الزمان عجل ... بیشتر در معرض خطر و زیان و حقه و امتحان است، اهتمامش به این امر موکد تر و مهمتر از سایر زمانهاست.

در اصول کافی بسند صحیحی از امام رضا "علیه السلام" آمده که فرمود: "از نشانه های فقه حلم و علم و خاموشی است همانا خاموشی یکی از رازهای حکمت است، همانا خاموشی محبت می آورد، به دوستی که آن راهنمای هر چیزی است." (اصول کافی/ج ۲/باب الصمت)

روایت ابوخیثمه سالم بن مکرم از حضرت ابی عبدالله امام صادق "علیه السلام" است که فرموده: "هرگاه امام جماعت عده ای بودی پس بر تو باد که در دو رکعت اول نماز قرائت کنی و بر کسانی که پست سرت هستند باد که بگویند:

"سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" در حالی که ایستاده اند.

و خداوند فرموده: "ای احمد (صلی الله) هیچ عبادتی نزد من محبوبتر از خاموشی و روزه نیست."

"الصمت زین و السکوت سلامه فاذا نطقت فلاتکن مکثارا"

"خاموشی زینت است و سکوت مایه سلامتی."

پس چنانچه زبان گشودی پرگوی مباش."

هفتاد و پنجم: نماز آن جناب "عجل الله"

در آخر فصل بیست و نهم از کتاب جمال الاسبوع سید بن طاوس چنین گوید:

نماز حضرت قائم-عجل الله- دو رکعت است. در هر رکعت سوره حمد را تا ایاک نعبد و ایاک نستعین می خوانی و آن را صد مرتبه تکرار می کنی آنگاه بقیه سوره حمد را می خوانی و بعد از آن سوره اخلاص را یک بار می خوانی و نماز را تمام می کنی و بعد از نماز این دعا را بخوان:

"اللهم عظم البلاء و برج الخفاء و انکشف الغطاء و ضاقت الارض بما وسعت السماء و الیک یا رب المشتکی و علیک المعول فی الشده و الرخاء اللهم صلی علی محمد و ال محمد الذین امرتنا بطاعتهم و عجل اللهم فرجهم بقائمهم"

و اظهر اعزازه يا محمد يا علي يا علي يا محمد اكفياني فانكما كافيي يا محمد يا علي يا علي يا محمد انصراني
فانكما نصراني يا محمد يا علي يا علي يا محمد احفظاني فانكما حافظاي يا مولاي يا صاحب الزمان الغوث الغوث
الغوث ادركني ادركني ادركني الامان الامان الامان.

تمه ای پرسود: رسید ابن طاوس - رحمه الله - در نمازهای شب جمعه نمازی را ذکر کرده اند که نماز حاجت نام
دارد: نماز حاجت در شب جمعه و شب عید قربان دو رکعت است، سوره فاتحه الكتاب را تا (ایاک نعبد و ایاک
نستعین) می خوانی و آن را صد مرتبه تکرار می کنی و حمد را به پایان می رسانی و سوره اخلاص را می خوانی
و سوره اخلاص را صد مرتبه تکرار می کنی در هر رکعت به همین صورت ادامه می دهی پس سلام می دهی و
هفتاد بار بگو: "لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظيم" و بعد به سجده برو و دویست بار بگو: "یارب یارب
یارب..." و هر حاجتی که داری بخواه از خداوند تعالی.

یا صاحب الزمان!

پروانه شمع رخ زیبای توام

دلباخته قامت رعنای توام

آشفته ام از فراق ای دلبر حسن

برگیر حجاب من که رسوای توام

"اللهم عجل فرجه"

هفتاد و ششم: گریستن در مصیبت مولایمان شهید مظلوم حضرت ابی عبدالله الحسین "علیه السلام"

زیرا که این کار از اموری است که بوسیله آن حق امام "علیه السلام" ادا می گردد و بدون تردید اداء حق آن
حضرت از عظیم ترین و مهمترین وسایل تقرب به اوست. در کتاب کامل الزیارات بسند خود از امام صادق "علیه

السلام" ضمن حدیثی در فضیلت گریستن بر امام حسین "علیه السلام" روایت آورده که: "و هیچ دیده و هیچ اشکی نزد خداوند محبوبتر از چشمی نیست که بر او بگرید و اشک بریزد و هیچ گریه کننده ای بر او نگرید مگر اینکه فاطمه "سلام الله" را صله کرده و آن جناب را در نوحه گری بر او یاری نموده و رسول خدا "صلی الله علیه" را صله کرده و حق ما را ادا نموده است و هر بنده ای با دیدگان گریان محشور می شود مگر گریه کنندگان بر جدم حسین علیه السلام..." (کامل الزیارات؛ ابن قولویه؛ ۸۱/۱؛ باب ۲۶)

و دلیل بر آنچه ذکر شد فرمایش امام صادق "علیه السلام" است که: "و حق ما را ادا نموده است" می رساند که گریستن بر امام حسین "علیه السلام" ادای حق صاحب الامر و سایر امامان سلام الله علیهم اجمعین می باشد و شاید سر مطلب این باشد که تسلیت دادن مومنین نسبت به بازماندگان کسانی که از ایشان از دنیا گذاشته اند گرامیداشت و تعظیم ایشان و دوستی کردن به آنان و یاری نمودن از جهت شرکت در مصیبتشان می باشد. پس هرگاه مومنی در مصیبت امام حسین "علیه السلام" بگرید حق امامی که بعد از آن حضرت باقی مانده را در فاجعه بزرگ ادا کرده.

بود آیا کسی همراه گردد

مرا همناله از اشک و آه گردد

بود آیا دو چشم و دیده ای پاک

در آن افتاده باشد خارو خاشاک

که همراهی کند با ایده من

در آن خاشاکناکی دیده من

هفتاد و هفتم: زیارت قبر مولایمان امام حسین "علیه السلام"

زیرا که این کار صله حضرت صاحب الزمان و خدمتی نسبت به آن جناب و سایر امامان "علیهم السلام" می باشد و با این عمل سرور و شادمانی در دل امام "علیه السلام" وارد می شود و امام "عجل الله" مانند سایر پدران بزرگوارش هر صبح و شام برای زوار قبر امام حسین "علیه السلام" دعا می کنند. و روایتی است که شیخ طوسی بسند خود از حضرت ابو جعفر امام محمد باقر "علیه السلام" آورده که فرمود:

"هرگاه نماز واجبی را به پایان بردی، جز با لعنت کردن بنی امیه از جای خود حرکت مکن." (تهذیب: شیخ طوسی؛ ج ۲/۱۰۹)

و لعن الله ال زیاد و ال مروان و لعن الله بنی امیه قاطبه و لعن الله ابن مرجانه و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمرا و لعن الله امه اسرجت و الجمت و تنقبت لقتالک.

اللهم العن یزید خامسا و العن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و ال ابی سفیان و ال زیاد و ال مروان الی یوم القیامه.

"ان شاء الله تعالی"

هفتاد و نهم: اهتمام در ادای حقوق برادران دینی

از اموری که منسوب به اوست، اهتمام ورزیدن در ادای حقوق برادران دینی است، که این یاری کردن آن جناب و چنگ زدن به ریسمان ولایت او و شادمان نمودن او و احسان کردن به حضرتش می باشد.

و در کتاب کافی شیخ کلینی بسند خود از مفضل بن عمر از حضرت ابی عبدالله امام صادق "علیه السلام" آورده که فرمود: "چنین نپندار کسی از شما که چون مومنی را شادمان ساخت فقط او را مسرور نموده، بلکه به خدا سوگند ما را خوشحال کرده بلکه به خدا سوگند رسول خدا (ص) را مسرور ساخته است."

و در بحار الانوار از امام کاظم "علیه السلام" ضمن حدیثی آمده که فرمود: "و هرکس حاجتی از دوستان ما برآورد انگار که آن را برای همه ما بر آورده است."

که بر کرسی هستی بر نشستی

تو ای پروردگار هست هستی

بسوی او بود سیر نهایی

کسی که مرجع هر دو سرایی

که مشتاق ولی صاحب زمانیم

خدایا ما همانا بندگانیم

هشتادم: مهیا کردن سلاح و اسب در انتظار ظهور آن جناب

در اینجا دو مطلب است. مطلب اول: ذکر فضیلت مهیا کردن سلاح.

مطلب دوم: بیان آنچه بر رابطه و مهیا کردن اسب دلالت دارد. (آماده باش بودن)

و اما مطلب اول: روایتی که نعمانی بسند خود از امام صادق "علیه السلام" آورده بر آن دلالت دارد که آن حضرت فرمود:

"هریک از شما برای خروج حضرت قائم "عجل الله" (سلاحی) مهیا کند هرچند که یک تیر باشد، که خدای تعالی هرگاه بداند که کسی چنین نیتی دارد امیدوارم عمرش را طولانی کند."

مطلب دوم: در بیان معنی رابطه و فضیلت آن است. (ربط) به معنی بستن گرفته شده است.

این رابطه بسیار فضیلت دارد چنانچه حدیث نبوی که در کتاب جواهر الکلام به نقل از المنتهی حکایت شده از پیغمبر اکرم "صلی الله علیه" است که فرمود: "یک شب رابطه کردن (و اسب مهیا داشتن) در راه خدا از اینکه شخص یک ماه روزها را روزه بگیرد و شبها به عبادت قیام نماید ثوابش بیشتر است، پس هرگاه بمیرد عملی که انجام می داده بر او جریان خواهد یافت و روزیش بر او جاری خواهد شد، و از فرشته ای که در قبر مرده ها را امتحان می کند ایمن خواهد بود."

۱۱ شوال ۱۴۲۰ قمری

والسلام